



کلیات

مقدمه

برنامه درسی فارسی دوره متوسطه اول، از مهم‌ترین برنامه‌های درسی است که از یک سو با دوره ابتدایی و متوسطه و از سوی دیگر با سایر برنامه‌های درسی این دوره ارتباط معناداری دارد؛ به گونه‌ای که ذهن و زبان دانش‌آموز را نسبت به دنیای یاددهی - یادگیری علوم پویاتر و گویاتر می‌کند. برنامه درسی فارسی راهنمایی در سال ۱۳۷۲ با شکل و ساختاری کاملاً اجرایی آزمایشی، وارد چرخه آموزشی کشور شد. کتاب‌های فارسی موجود که بر مبنای «طرح تفصیلی فارسی دوره متوسطه اول» تهیه و سازماندهی شده بود، به نوبه خود تحول عظیمی را در حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی ایجاد کرد و با رویکردی کاملاً نوین در اختیار معلمان و دانش‌آموزان قرار گرفت. با توجه به این که به نسبت تحولات علمی، فرهنگی و اجتماعی، برنامه‌های درسی نیز جهت هماهنگی و هم‌پوشی با آنها دستخوش تغییرند، ضرورت داشت برنامه درسی فارسی پس از طی یک دهه تدریس کتاب‌های فارسی در مدارس، مورد تجدیدنظر و بازنگری قرار گیرند.

در ساختار دروس کتاب درسی، ادبیات در هیئت متن‌های درسی زیبا و رسا، اشعار، حکایات و داستان‌هایی از متون کلاسیک و نوین ایران و جهان، سامان پذیرفته است. مقوله‌های زبانی نیز در قالب آموزه‌های دستوری، نگارشی و املا تدوین یافته‌اند.



فلسفه وجودی، ماهیت و ساختار ماده درسی

زبان فارسی نماد و نماینده هویت ملی و فرهنگی ماست و ادبیات فارسی آئینه فرهنگ و این واحدهای درسی اندیشه ایران اسلامی از گذشته تاکنون، در نتیجه آموزش ادبیات و زبان فارسی پل پیوند با هویت و فرهنگ اسلامی – ایرانی است. جز این، همه دروس نیازمند زبان و ادبیات فارسی هستند و آموزش، بدون آن امکان پذیر نیست. محتوای ادبیات فارسی نیز به تربیت معنوی، تلطیف روح و احساسات و انتقال فضایل الهی و انسانی کمک می کند.

در ساختار این ماده درسی دو قلمرو زبان و ادبیات در عین پیوستگی، جدا و مجزا از هم مطرح شده اند.

کارکرد زبان، ایجاد پیوند و رساندن پیام است. در نتیجه زبان قبل از هر چیز یک پدیده اجتماعی است که در هیئتی سامان مند، پویا و زنده رسالت انتقال مفاهیم را به عهده دارد. به دیگر زبان می توان گفت: زبان هر قوم روح آنان و روح آنان زبانشان است. ادبیات نیز نوعی زبان است؛ اما زبان برتر که به انتقال هنرمندانه اندیشه و فرهنگ می پردازد. در تحلیلی کوتاه می توان گفت: «رسالت زبان چه گفتن و رسالت ادبیات چگونه گفتن است». در زبان اصل بر پیام رسانی است؛ پس تلاش بر سادگی، رسایی و کوتاهی واژگان است؛ اما در ادبیات، بیان احساس، عاطفه و خیال و در یک کلام زیبا سخن گفتن هدف است.

به همین روی زبان و ادبیات پیوندی ناگسستنی دارند. زبان ابزاری است در خدمت ادبیات و ادبیات جریانی است در خدمت زبان و بارورکننده آن. پویایی زبان، زایش واژگان و ترکیب های نو، رهاورد ذهن خلاق و خیال پرداز ادبیات است. با این توضیحات دو مقوله زبان و ادبیات از نظر گاه منطقی آموزشی یکسان نیستند. زبان را با نگرشی منطقی، علمی و خردباورانه باید بررسی و تدریس کرد و ادبیات را با نگرشی هنری و ذوقی. در درس زبان، تعلیم صورت می گیرد ولی ادبیات برانگیزش و تلطیف عواطف و پالایش درون استوار است.

نیازها و ضرورت های طراحی برنامه

۱- تغییر در سیاست ها و نگرش های آموزشی و برنامه ریزی: نظام آموزشی باید دانش آموزان را به خودباوری و خودشکوفایی برساند. باید دانش آموز توانمندی های خود را کشف و استخراج کند تا در آینده در مشکلات پیش رو، بتواند موفق شود. از این گذشته، ظرفیت های علمی و توانایی های منطقه ای معمولاً در نظام آموزشی ما فرصت، جایگاه و امکان بروز نمی یابند. معرفی زبان، فرهنگ

و ادبیات مناطق به طور دقیق و سنجیده، به دلیل ظرفیت اندک کتاب درسی تاکنون مجال طرح نیافته است. در کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی به این موضوع به خوبی توجه شده است و درس‌های آزاد، مجال و فرصتی ساخته‌اند تا دانش‌آموزان بتوانند ناگفته‌های کتاب درسی را که دوست داشتند، در کتاب درسی بیابند و خود با هدایت معلم تهیه و تولید کنند. این دیدگاه آموزشی باید در کتاب‌های فارسی متوسطه استمرار یابد و کتاب‌ها آینه‌ای باشند که دانش‌آموزان خود را در آن بیابند. توجه به فرهنگ بومی و قومی ایران و تأمل و درنگ دانش‌آموزان در زبان و ادبیات منطقه‌ای خود از دستاوردهای این دیدگاه نوین خواهد بود.

۲- تغییر رویکردهای آموزشی زبان فارسی در ابتدایی و لزوم تداوم آنها در دوره متوسطه: در برنامه جدید آموزش زبان فارسی، محتوای دروس، فعالیت‌ها و تمرین‌ها، حتی نحوه مدیریت کلاس و درس مبتنی بر همیاری، مشارکت و فعال بودن دانش‌آموزان است. در تمرین‌هایی چون «کار گروهی» این مهم انجام می‌گیرد حتی چینش کلاس‌ها متناسب با این رویکرد است. به طور طبیعی انتظار می‌رود در امتداد و استمرار برنامه آموزش زبان فارسی دوره ابتدایی، این مهم در دوره متوسطه اول نیز تحقق یابد. با توجه به این که در گذشته تکیه اصلی آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی، بر مهارت‌های خواننداری و نوشتاری بوده و دو مهارت شنیداری و گفتاری به فراموشی سپرده شده بود، سعی خواهد شد این دو مهارت مهم که لازمه تقویت مهارت خواننداری و نوشتاری هستند، در برنامه جدید، جایگاهی ویژه و روشن داشته باشند. لذا لازم است در امتداد و استمرار دوره ابتدایی، در دوره متوسطه نیز به این مهارت پرداخته شود. تقویت دو مهارت اساسی تفکر و نقد نیز جزء برنامه فارسی متوسطه است.

۳- ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی و پژوهش: در برنامه جدید زبان‌آموزی ابتدایی به کتاب‌خوانی توجه ویژه شده است و یک ساعت از برنامه هفتگی آموزش فارسی به کتاب‌خوانی اختصاص یافته است. در پایان هر کتاب، کتاب‌های مناسب معرفی شده است که معلم متناسب با ۱۷ درس، ۱۷ جلد از آنها را در کلاس می‌خواند و بقیه در فرصت‌های دیگر توسط دانش‌آموز خوانده می‌شوند. این نیاز باید در کتاب‌های فارسی دوره متوسطه اول نیز برآورده شود و فرهنگ مطالعه، کتاب‌خوانی و پژوهش در متن برنامه دیده شود.

رویکردهای حاکم بر برنامه درسی فارسی متوسطه اول

رویکرد عبارت است از جهت‌گیری اساسی نسبت به یاددهی و یادگیری و ابعاد گوناگون آن در حوزه برنامه‌ریزی درسی. بر این اساس با در نظر گرفتن رویکرد عام حاکم بر برنامه‌های درسی

ایران، یعنی رویکرد فرهنگی – تربیتی و رویکرد خاص حاکم بر آموزش زبان فارسی، یعنی رویکرد ترکیبی، در آموزش زبان فارسی رویکردهای متنوع و گوناگونی از قبیل رویکرد کلی، رویکرد تحلیلی، رویکرد تلفیقی، رویکرد تجربه‌زبانی، رویکرد زبان شناختی و ... وجود دارد. در این برنامه، شورای برنامه‌ریزی پس از بحث و گفت‌وگوهای فراوان و مشاوره با متخصصان، روان‌شناسان زبان، زبان‌شناسی، روان‌شناسی یادگیری و برنامه‌ریزی درسی، رویکردهای دیگری را نیز برای هر کدام از بخش‌های برنامه آموزش زبان فارسی انتخاب کرده است.

در برنامه درسی فارسی متوسطه اول رویکردها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۱- رویکردهای عام

۲- رویکردهای ویژه

۱- رویکردهای عام: رویکردهای عام، به رویکردهایی اطلاق می‌شود که دایره شمول آنها به دیگر دروس نیز می‌رسد. در برنامه درسی فارسی متوسطه اول این رویکردها عبارت‌اند از:

رویکرد کلی: براساس بنیاد روان‌شناختی این رویکرد (روان‌شناسی گشتالت) انسان هنگام برخورد با امور و پدیده‌ها ابتدا به کل آنها توجه می‌کند و پس از آن به اجزای سازنده کل می‌پردازد. به همین جهت در برنامه‌های درسی و مراحل یاددهی – یادگیری نیز باید نخست اشکال و صورت‌های کل را به دانش‌آموزان یاد بدهیم، سپس با استفاده از شیوه تجزیه کل به عناصر سازنده، اجزای آن را معرفی کنیم، مثلاً به جای آن که دانش‌آموز شعری را بیت بیت حفظ کند، باید کل شعر را چند بار بخواند و پس از دریافت مفهوم و پیام کلی آن، شعر مورد نظر را حفظ نماید و آن را از منظرهای مختلف زبان ادبی و معنایی بررسی و تحلیل کند.

رویکرد فعالیت محوری: در این رویکرد به طبیعت فرد و نیازها و خواسته‌های او تأکید می‌شود. دانش‌آموز زیربنای فرایند آموزش است و در تمامی فعالیت‌های یاددهی – یادگیری شرکت می‌کند. با توجه به این که بخش قابل توجهی از ماهیت زبان و ادبیات فارسی، مهارتی است و از طریق این مهارت‌ها به جنبه‌های درونی و برونی فرد پرداخته می‌شود، در طراحی برنامه درسی فارسی متوسطه اول، به جنبه‌های مختلف دانش‌آموز دوره متوسطه باید توجه کافی شود و متناسب با آن عناصر محتوا و فعالیت‌های یادگیری سازماندهی گردد.

رویکرد تلفیقی: امروزه اکثر برنامه‌های درسی به نحوی طراحی و اجرا می‌شوند که در روح آنها تلفیقی از رویکردها انعکاس یافته است. از آنجا که درس زبان و ادبیات فارسی ماهیتاً تلفیقی و درهم تنیده است، سعی شده است برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی به نحوی تلفیق و ارائه شود که در نهایت

توانایی‌های ذهنی، درک و فهم، تجزیه و تحلیل، ترکیب و بازسازی، نقد و داوری، برقراری ارتباط با دیگران، ابراز وجود و بیان احساسات، قدرت خلاقیت و ... تقویت شود. یکی از آثار با ارزش رویکرد تلفیقی تأکید بر آموزش مداوم است که این موضوع از طریق گسترش فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی در این برنامه قابل تحقق خواهد بود. این رویکرد در حوزه‌های زیر انعکاس خواهد داشت:

۱- تلفیق مهارت‌های شفاهی زبان (گوش دادن، گفتن، خواندن، مطالعه و پژوهش) و کتبی (رونویسی، املا، نگارش و انشا)

۲- تلفیق مهارت‌های ادبیات فارسی

۳- تلفیق اطلاعات و دانش‌های زبانی و ادبی

۴- تلفیق نظام زبانی (آوا، معنا، دستور زبان)

۵- تلفیق ارزش‌های (اخلاقی، اعتقادی، ملی، فرهنگی و ...)

۶- تلفیق زبان و ادبیات فارسی با سایر دروس

رویکردهای خاص (ویژه): رویکردهای ویژه به رویکردهایی گفته می‌شود که فقط در حوزه این ماده درسی مطرح است و دایره شمول آن محدود به این برنامه است. براساس رویکردهای ویژه به موضوعات درسی مانند موضوع زبان و ادبیات فارسی و ساختار این رشته اهمیت داده می‌شود. مهارت‌های زبانی، فرایند تفکر، خلاقیت زبانی، متون ادبی، آرایه‌های ادبی، قالب‌های شعری، تاریخ ادبیات و نقد ادبی ساختار رشته درسی زبان و ادبیات را تشکیل می‌دهند. برنامه درسی با جهت‌گیری خاص نسبت به این ساختار تلاش می‌کند، فرایند یاددهی و یادگیری را به دانش‌آموزان انتقال دهد. این رویکردها عبارت است از:

۲-۱- رویکرد ساختاری: در این رویکرد، زبان و ادبیات، نظامی از عناصر و مؤلفه‌های

مرتبط به هم است که برای رمزگردانی معانی به کار می‌رود. هدف از یاددهی و یادگیری، تسلط پیدا کردن بر عناصر این نظام است که معمولاً در حوزه‌های آواشناسی، واحدهای دستوری و واژگانی قرار می‌گیرد. براساس این دیدگاه و رویکرد، برنامه زبان و ادبیات باید به گونه‌ای باشد که در نهایت دانش‌آموز به بررسی ساختارهای تشکیل دهنده زبانی و ادبی آگاهی پیدا کند و از طریق مهارت و معرفت به آنها به معانی موجود در زبان و ادبیات بی‌ببرد. در قلمرو آموزش دانش‌های زبانی به ویژه دستور زبان، می‌توان از این رویکرد بهره گرفت.

رویکرد کاربردی / گشتاری: در این رویکرد، زبان و ادبیات وسیله و ابزاری برای شناخت، بیان

معانی مختلف و تحول در کاربرد آن است و به جای توجه ویژه به ساختار و عناصر زبانی (روساخت)، به

بعد کاربردی و معنایی و شناختی (ژرف ساخت) زبان و ادبیات تأکید می‌شود و از عناصر زبان و ادبیات فقط در حدی سود جسته می‌شود که معنا و کاربرد زبان تسهیل یابد و محتوای برنامه بر اساس معنا و گشتار (تبدیل ژرف ساخت به روساخت) سازماندهی گردد. مثلاً برای آموزش خواندن، درک مطلب، انشا و املا این رویکرد کارآیی و نقش بهتری دارد.

رویکرد ارتباطی: در این رویکرد، زبان و ادبیات وسیله‌ای برای فهم و روابط متقابل افراد و برقراری روابط اجتماعی بین افراد تلقی می‌شود. به جای توانش زبانی و ادبی به توانش ارتباطی اهمیت داده می‌شود. به درک مطلب بیشتر از تولید زبان و ادبیات تأکید می‌شود و در نتیجه امکان تماس دانش‌آموز با زبان و ادبیات واقعی بیشتر می‌شود و تعامل بین افراد و گروه‌ها افزایش می‌یابد. مهم‌ترین نکته در این دیدگاه و رویکرد این است که آموزه‌ها و رهیافت‌های آن به گونه‌ای است که هم رویکرد ساختاری را در بر می‌گیرد و هم رویکرد کاربردی / گشتاری را. شاید بتوان رویکرد ارتباطی را به عنوان یک رویکرد کاملاً تلفیقی (تلفیق درون برنامه‌ای) در حوزه زبان و ادبیات تلقی کرد که در این صورت از این طریق می‌توان بسیاری از نیازهای موضوع درسی، دانش‌آموز و جامعه را تحت پوشش قرار داد.

اصول حاکم بر برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی دوره متوسطه اول

اصل، به مجموعه بایدها و نبایدهایی گفته می‌شود که لازم است در کلیه مراحل طراحی، اجرا و ارزش‌یابی برنامه درسی مورد توجه قرار بگیرد و همه عناصر سازه‌ای برنامه، بر بنیاد آن استوار باشند. هر یک از اصول، همراه راهکارهای ویژه، تبیین شده‌اند تا مصادیق و حوزه‌های کاربردی هر یک برای کاربران این برنامه به روشی بازگو شده باشد.

اصل ۱- در کلیه عناصر و مؤلفه‌های برنامه درسی آموزش زبان فارسی باید مبانی فرهنگی و آموزه‌های تربیتی حاکم باشد.

راهکارها

- تدوین و سازماندهی برنامه درسی براساس رویکرد فرهنگی – تربیتی
- پیش‌بینی و انتخاب مفاهیم مرتبط با اصل فرهنگی – تربیتی
- در نظر گرفتن فصل‌هایی مناسب برای تحقق رویکرد فرهنگی – تربیتی در محتوا
- طراحی فعالیت‌های مناسب برای تحقق این اصل در محتوا

اصل ۲- در برنامه فارسی دوره متوسطه اول اصل بر جنبه‌های کاربردی و مهارتی زبان و ادبیات باشد.

راهکارها

- تدوین کتاب براساس روش فعالیت محوری
- تولید کتاب فارسی با توجه به مهارت‌های شفاهی و کتبی زبان و ادبیات فارسی
- در نظر گرفتن تمرین‌ها و فعالیت‌های مشابه عملی و کاربردی در کتاب راهنمای معلم
- در نظر گرفتن فعالیت‌های تکمیلی در کتاب روش تدریس

اصل ۳- زبان و بیان کتاب‌های فارسی و مواد کمک آموزشی آن ساده و صمیمی و متناسب با ذهن و زبان دانش‌آموزان باشد.

راهکارها

- بهره‌گیری از زبان مناسب نوجوان در نوشتن متن‌ها
 - استفاده از اصول و مبانی ساده‌نویسی در نوشتن متن‌ها
 - تهیه متن‌های ساده ادبی از گذشته و امروز
- اصل ۴-** به گسترش حوزه‌های زبان فارسی (آواشناسی، معناشناسی و دستور) توجه کافی شود.

راهکارها

- پیش‌بینی تمرین‌هایی در زمینه آواشناسی (آواشناسی مقدماتی)
- پیش‌بینی تمرین‌هایی در زمینه معناشناسی
- پیش‌بینی تمرین‌هایی در زمینه دستور

اصل ۵- سیر آموزش زبان و ادبیات فارسی از ساده به تکامل یافته و از زبان طبیعی به زبان معیار باشد.

راهکارها

- تسلسل منطقی و تداوم محتوا به تناسب پایه‌ها از زبان به ادبیات
- حرکت از زبان امروزی و طبیعی به زبان تاریخی و کهن
- ادامه منطقی مباحث زبانی، ادبی، نگارشی و املائی دوره ابتدایی
- آموزش نکته‌های زبانی، دستوری، املائی، نگارشی و ادبی براساس بسامد، تکرار و ضرورت

اصل ۶- در برنامه به تازه‌ترین یافته‌ها و نظریه‌های حوزه‌ی زبان‌شناسی و ادبیات نوجوانان توجه شود.

راهکارها

- توجه به تمامی مهارت‌های زبانی در کتاب
 - رعایت رویکردهای نوین در تمامی مراحل انتخاب و سازماندهی محتوا
 - بهره‌گیری از اصول یادگیری نظریه‌های شناختی و فراشناختی
 - ترجیح بُعد توصیفی دستور زبان بر بُعد تجویزی
 - مطالعات راهبردی و تطبیقی در جهت یافتن مناسب‌ترین نظریات در حوزه‌ی زبان و ادبیات
- اصل ۷-** به انواع خط‌های (خوانداری و نوشتاری و هنری) توجه کافی شود.

راهکارها

- استفاده از انواع خطوط رایج، هنری (سنتی و جدید)
 - ادامه‌ی روند بهینه‌سازی و خوانا نویسی
 - ایجاد زمینه‌های عملی و لازم جهت زیباسازی خط
- اصل ۸-** رسم الخط براساس آخرین مصوبات شیوه‌نامه‌ی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی باشد.

راهکارها

- نظارت گروه ویرایش بر رسم الخط
- هماهنگ شدن رسم الخط کتاب‌های فارسی
- هماهنگ شدن سایر کتاب‌های درسی، مجلات رشد و کتاب‌های کمک آموزشی با شیوه‌نامه‌ی

مصوب سازمان

اصل ۹- برنامه باید زمینه‌ساز تقویت مهارت‌های زندگی در نوجوانان باشد.

راهکارها

- آشنا کردن دانش‌آموز با مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در سطح ملی و جهانی
 - گسترش و پراکندگی نمونه‌های اساسی مهارت‌های زندگی در سراسر کتاب
 - بهره‌گیری از متون زبانی و ادبی در جهت پرورش و تقویت مهارت‌های زندگی
 - بهره‌گیری از ادبیات کهن برای بهتر زیستن در امروز و آینده
- اصل ۱۰-** برنامه باید زمینه‌ساز تقویت روحیه‌ی مطالعه و کتاب‌خوانی باشد.

راهکارها

- پیش بینی بخش کتاب خوانی
 - طرح مباحث شیوه‌های مطالعه مطلوب
 - پیش بینی ساعت مطالعه و کتاب خوانی
 - تجهیز کتابخانه مدارس متناسب با اهداف برنامه
 - جذب و جلب مشارکت نهادهای فرهنگی برای تحقق اهداف مطالعه و کتاب خوانی
- اصل ۱۱-** آموزش نکات زبانی، اخلاقی، ارزشی و شناختی به شکل غیرمستقیم باشد.

راهکارها

- آموزش مفاهیم و نکات از طریق روش‌های فعال
 - انتخاب قالب قصه، افسانه، داستان و شعر برای آموزش
 - بهره‌گیری از فیلم، نوار صوتی، CD و سایر فناوری‌های آموزشی
 - استفاده از ابزار کمک آموزشی مثل مجله، روزنامه، کتاب کمک درسی و ...
 - بهره‌گیری از بازدیدهای علمی و تفریحی
- اصل ۱۲-** برنامه باید زمینه ساز تقویت و پرورش خلاقیت، ذوق ادبی و روحیه پژوهشگری نوجوان باشد.

راهکارها

- پیش بینی محتوا بر اساس الگوهای خلاق و فعال
- پیش بینی تمرین‌هایی در کتاب به منظور تقویت قوه خلاقیت و ذوق هنری
- طراحی تمرین‌هایی برای تقویت روح جست‌وجوگری، کشف و حل مسئله
- پیش بینی و طراحی مواد آموزشی، کمک آموزشی و فناوری آموزشی با جهت‌گیری اصل

یاد شده

- بهره‌گیری از گونه‌های متنوع هنری و ادبی با تأکید بر جنبه‌های زیباشناسی و حسی
 - استفاده از شعرخوانی، قصه خوانی، قصه گویی، نقالی، قصه سازی، نمایش خلاق
 - بهره‌گیری از شیوه‌های خلاق نوشتن و سرودن
- اصل ۱۳-** برنامه باید زمینه ساز رفتارهای اخلاقی، اجتماعی و تربیتی مناسب در نوجوانان باشد.

راهکارها

- طرح الگوهای متعالی دینی، ملی و جهانی
- مقاوم‌سازی نوجوانان در برابر آسیب‌های اجتماعی از طریق انتخاب متون و فعالیت‌های مناسب
- بهره‌گیری از امکانات تصویری که گویای اهداف تعیین شده باشد.
- توزیع مفاهیمی چون مشارکت و همیاری، آینده‌نگری، خودشکوفایی، انتقادپذیری، دوست‌یابی، همدردی با دیگران، کمک به هم‌نوع، اعتماد به نفس، گذشت و فداکاری، خودباوری، مسئولیت‌پذیری و واقع‌بینی در محتوای برنامه

اصل ۱۴- به نقش سازنده زن و مرد به طور مناسب و متناسب در برنامه توجه شود.

راهکارها

- معرفی چهره‌های بزرگ زن و مرد در محتوای برنامه
 - بهره‌گیری از آثار چهره‌های بزرگ زن و مرد
 - توزیع متناسب تصاویر زن، مرد، دختر و پسر در تمام کتاب
 - بهره‌گیری از نویسندگان، شاعران و معلمان زن و مرد در تهیه برنامه
- اصل ۱۵-** به فرهنگ عمومی و ملی در کنار فرهنگ منطقه‌ای و بومی توجه کافی شود.

راهکارها

- استفاده از زبان فارسی معیار
 - معرفی فرهنگ‌های بومی و منطقه‌ای با تکیه بر فرهنگ ملی
 - ارائه تمرین‌هایی برای آشناسازی دانش‌آموزان با زبان و ادبیات و فرهنگ منطقه‌ای و محلی
 - توجه به فرهنگ عمومی و ملی در کنار فرهنگ منطقه‌ای و بومی
- اصل ۱۶-** در برنامه به دانش‌های بشری در تعامل با زبان و ادبیات، توجه کافی شود.

راهکارها

- در نظر گرفتن مباحثی پیرامون دانش‌های بشری و دانشمندان مرتبط با دانش ادبی
 - ارائه تمرین‌ها و فعالیت‌هایی در این زمینه
 - بهره‌گیری از فناوری آموزشی در جهت تقویت و تعمیق مفاهیم این اصل
 - بهره‌گیری از نمونه‌هایی که نشان‌دهنده تعامل دانش و ادبیات باشد
- اصل ۱۷-** به تقویت و تعمیق حافظه شنیداری و دیداری توجه کافی شود.

راهکارها

- بهره‌گیری از تمرین‌های مناسب مانند مقایسه، خاطره‌گویی، شعرخوانی و حفظ شعر مورد علاقه
 - تولید مواد کمک آموزشی مناسب
- اصل ۱۸-** برنامه باید زمینه ساز ابراز وجود و بیان احساس دانش‌آموزان باشد.

راهکارها

- پیش‌بینی درس‌هایی از زبان دانش‌آموز، برای طرح دیدگاه‌ها، عقاید و احساسات
 - پیش‌بینی فرصت‌هایی در کلاس، کتاب و راهنمای معلم
 - پیش‌بینی فعالیت‌هایی مانند بازی، نمایش، کارگروهی، روزنامه دیواری برای تحقق این هدف
 - پیش‌بینی تمرین‌هایی برای نقد و اظهارنظر درباره فیلم و ...
- اصل ۱۹-** مواد برنامه باید با علائق، سلیقه‌ها و نیازهای دانش‌آموز همسویی داشته باشد.

راهکارها

- انتخاب متون و داستان‌های جذاب و پرکشش
 - توجه کافی و لازم به دنیای نوجوان در کتاب درسی و مواد کمک آموزشی
 - توجه به هماهنگی تصاویر با دنیای ذهنی نوجوان
 - بهره‌گیری از الگوها، قهرمانان، اسطوره‌ها و شخصیت‌های محبوب نوجوان
 - توجه به اصول روان‌شناسی نوجوان در تنظیم و سازماندهی محتوا
- اصل ۲۰-** مواد برنامه متنوع باشد.

راهکارها

- بهره‌گیری از تمرین‌های تنوع‌زبانی، نگارشی، املائی و ...
- گنجاندن بخش‌های کوتاه و متنوع در دروس
- فصل بندی کتاب برای تنوع بخشی به کتاب
- استفاده از تمامی امکانات فنی و هنری، فناوری آموزشی و کمک آموزشی
- ارائه فعالیت‌های گوناگون برای استفاده در کلاس از طریق راهنمای معلم، کتاب‌های روش

تدریس و ...

- اصل ۲۱-** ارزش‌یابی از محتوا باید منطبق با مصوبات و آخرین یافته‌های حوزه سنجش و

اندازه‌گیری باشد.

راهکارها

- اعتباربخشی راهنمای برنامه درسی، کتاب درسی، راهنمای معلم، مواد آموزشی و فناوری آموزشی
- پیش‌بینی برگه‌های سیاهه رفتار دانش‌آموز و معلم در مهارت‌های زبانی و ادبی
- ارزش‌یابی از تمام عناصر برنامه درسی

اصل ۲۲- از امکانات تصویری، گرافیکی، فنی و ... برای تعمیق، تثبیت و گسترش مفاهیم استفاده شود.

راهکارها

- بهره‌گیری از همکاران هنرمند صاحب سبک
 - امتزاج هم خوانی و نقش تکمیلی تصاویر نسبت به متن
- اصل ۲۳-** از ادبیات دیگر ملل در کنار ادبیات فارسی همسو با رویکرد فرهنگی تربیتی

استفاده شود.

راهکارها

- بهره‌گیری از نمونه‌های برجسته ادبیات جهان
- بهره‌گیری از ترجمه‌های موفق و مترجمان معتبر
- بهره‌گیری متعادل از ادبیات کشورهای گوناگون (آسیا، افریقا، آمریکای لاتین و ...)

ارتباط این برنامه با برنامه درسی فارسی ابتدایی

همان‌گونه که در مقدمه گفته شد، این برنامه در تکمیل سیر منطقی طراحی و تولید برنامه درسی فارسی ابتدایی، پیش‌بینی و برنامه‌ریزی شده است. از این رو، در بسیاری از مؤلفه‌های برنامه درسی از قبیل اصول، رویکردها، اهداف و روش‌ها، این برنامه ادامه دوره ابتدایی است و سعی شده است از دید درجه بندی سطوح یادگیری، تعمیق و تثبیت بیشتری پیدا کند.

ساختار فصل بندی محتوا و فعالیت‌های یاددهی - یادگیری کتاب درسی نیز در ادامه منطقی دوره ابتدایی طراحی شده است. از آنجا که در دوره متوسطه سهم ادبیات به نسبت زبان، بیشتر از دوره ابتدایی است، در مفاهیم و موضوعات محتوا ضمن حفظ آموزه‌های دوره ابتدایی، باید مطالب تازه‌تری به فراخور نیازها و علائق و شرایط سنی دانش‌آموزان این دوره مبتنی بر آموزه‌های متعالی، معنوی و فرهنگی تربیتی ارائه گردد.

از سوی دیگر، برنامه درسی فارسی متوسطه اول در مؤلفه‌های اصول، اهداف و شیوه‌های تدریس با برنامه درسی دوره متوسطه دوم نیز هماهنگی و هم خوانی دارد، مثلاً در مفاهیم و موضوع‌های مربوط به دانش‌های زبانی و ادبی تا جایی که گنجایی و ظرفیت برنامه اجازه می‌دهد، باید تلاش شود ضمن توجه به مطالب دوره ابتدایی به مباحث و سرفصل‌های دوره متوسطه دوم هم توجه شود تا دانش‌آموز پیش نیاز مطالب دوره متوسطه دوم را در دوره متوسطه اول فرا بگیرد.

در بخش رویکردهای ویژه «رویکرد ساختاری» در آموزش دستور زبان فارسی نیز کوشش شده است، برنامه دوره متوسطه اول با دوره متوسطه دوم، همسویی بیشتری داشته باشد. بنابراین انتظار می‌رود در سازمان‌دهی و تألیف محتوای کتاب درسی به این تناسب، انسجام حلقه‌های ارتباطی و ساختار پیوستاری مبانی آموزشی توجه ویژه صورت گیرد.

اهداف برنامه درسی آموزش زبان و ادبیات فارسی دوره اول متوسطه

سوم	دوم	اول	پایه‌ها
			اهداف
*	*	*	تفکر و تعقل
			استدلال منطقی در مهارت‌های خوانداری
*	*	*	استدلال منطقی در مهارت‌های نوشتاری
*	*	-	توانایی درک معنای متون زبانی و ادبی
*	*	*	شناخت تضادها، شباهت‌ها و تفاوت‌ها
*	*	*	مقایسه نوشته‌ها، استخراج پیام‌ها و نکات کلیدی
*	*	-	تفکر در مورد شنیده‌ها، خوانده‌ها و نوشته‌ها
*	-	-	نقد و تحلیل مطالب و مسائل
*	-	-	آفرینش تصاویر ذهنی و خیالی درباره امور و پدیده‌های زبانی و ادبی
*	*	*	ایمان، باور و علایق
			باور و ایمان به مفاهیم دینی، تربیتی، اخلاقی و فرهنگی
*	*	*	نگرش مثبت به ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی
*	*	-	علاقه به تحقیق، پژوهش و مطالعه در آثار نظم و نثر ایران و جهان
*	*	*	توجه به جنبه‌های زیبایی شناختی آثار نظم و نثر فارسی
*	*	*	علاقه به زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی
*	*	*	علم
			آشنایی با مفاهیم و موضوعات دینی، ارزشی، انقلابی و اخلاقی
*	*	*	آشنایی با نمونه‌هایی از نظم و نثر جهان و چهره‌های بزرگ ادبی و فرهنگی معاصر ایران و جهان
*	*	*	آشنایی با نمونه‌هایی از نظم و نثر چهره‌های ادبی بومی و محلی
*	*	*	آشنایی با واژگان متون زبانی و ادبی دوره معاصر
*	*	*	آشنایی با ساختارهای نحوی زبان فارسی معیار
*	*	*	آشنایی با شیوه‌ها و ابزارهای آفرینش زیبایی سخن
*	*	*	آشنایی با قالب‌های مختلف نوشتاری
*	*	*	عمل (مهارت‌های عملی) مهارت نگاه کردن (مشاهده)
			تشخیص نمادهای خطی و دیداری زبان فارسی
*	*	*	تمرکز در خوب نگاه کردن به امور و پدیده‌ها
*	*	*	تمرکز دیداری بر متون زبان و درک معانی
*	-	-	نگاه انتقادی به دیده‌ها و نوشته‌ها

*	*	*	مهارت گوش دادن
			توجه به پاره مهارت‌های آوایی زبان فارسی
*	*	*	دقت و تمرکز در سخن گوینده و تشخیص آهنگ کلام
*	*	*	عادت به درست گوش دادن و دریافت پیام
*	*	-	درک شنیداری انسجام متن
*	*	*	توانایی درک پیام دیگران
*	-	-	توانایی در بررسی شنیده‌ها
*	*	*	تشخیص انواع ساخت واژه در زبان فارسی
*	-	-	توانایی نقد و تحلیل گفته‌ها و شنیده‌ها
سوم	دوم	اول	مهارت سخن گفتن
*	-	-	توانایی سخن گفتن مؤثر، مناسب و روان در برابر جمع با تأکید بر فن بیان
*	*	*	توانایی غلبه بر کم رویی و پیدا کردن اعتماد به نفس
*	*	*	توانایی در به کار بردن زبان فارسی معیار در گفتار
*	*	-	توانایی در طرح افکار و اندیشه‌های خود در قالب گفتار
*	*	*	رعایت پاره مهارت‌های آوایی زبان فارسی معیار
*	*	*	مهارت‌های خواندن
			توانایی خواندن متون نظم و نثر همراه با درک معنا
*	*	*	روان خوانی گونه‌های مختلف متون زبانی و ادبی
*	*	*	به کارگیری رفتارهای مطلوب در خواندن
*	*	*	رعایت سرعت و لحن مناسب در خواندن متون
*	*	*	مشارکت فعال در بحث و گفت و گو و همکاری با دیگران
*	*	*	توانایی به کارگیری کارافزارهای خواندن
*	*	*	مهارت‌های نوشتن
			توانایی تبدیل نمادهای صوتی به نوشتاری (املا)
*	*	*	توانایی تبدیل دیده‌ها، شنیده‌ها و خوانده‌ها به نوشته (نگارش)
*	*	*	توانایی درست، خوانا و زیب‌نویسی
*	*	*	رعایت نشانه‌گذاری‌ها در متن
*	*	*	توانایی نوشتن خلاق و بدیع (انشا)
*	*	*	رعایت رفتارهای مناسب به هنگام نوشتن
*	*	*	توانایی نوشتن متن‌های ساده
*	-	-	استفاده از آرایه‌های ادبی در نوشتن

اهداف برنامه درسی آموزش زبان و ادبیات فارسی در دوره متوسطه اول

عنصر تفکر و تعقل

- استدلال منطقی در مهارت‌های خواننداری
- استدلال منطقی در مهارت‌های نوشتاری
- توانایی درک معنای متون زبانی و ادبی
- شناخت تضادها، شباهت‌ها و تفاوت‌ها
- مقایسه نوشته‌ها، استخراج پیام‌ها و نکات کلیدی
- تفکر در مورد شنیده‌ها، خواننده‌ها و نوشته‌ها
- نقد و تحلیل مطالب و مسائل
- آفرینش تصاویر ذهنی و خیالی درباره امور و پدیده‌های زبانی و ادبی

عنصر ایمان، باور و علایق

- باور و ایمان به مفاهیم دینی، تربیتی، اخلاقی و فرهنگی
- نگرش مثبت به ارزش‌های اسلامی و انقلاب اسلامی
- علاقه به تحقیق، پژوهش و مطالعه در آثار نظم و نثر معاصر ایران و جهان
- توجه به جنبه‌های زیبایی شناختی آثار نظم و نثر فارسی
- علاقه به زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی

عنصر علم

- آشنایی با مفاهیم و موضوعات دینی، ارزشی، انقلابی و اخلاقی
- آشنایی با نمونه‌هایی از نظم و نثر جهان و چهره‌های بزرگ ادبی و فرهنگی معاصر ایران و جهان
- آشنایی با نمونه‌هایی از نظم و نثر چهره‌های ادبی بومی و محلی
- آشنایی با واژگان متون زبانی و ادبی دوره معاصر
- آشنایی با ساختارهای نحوی زبان فارسی معیار
- آشنایی با شیوه‌ها و ابزارهای آفرینش زیبایی سخن
- آشنایی با قالب‌های مختلف نوشتاری

عنصر عمل (مهارت‌های عملی)

مهارت نگاه کردن (مشاهده)

- تشخیص نمادهای خطی و دیداری زبان فارسی
- تمرکز در خوب نگاه کردن به امور و پدیده‌ها
- تمرکز دیداری بر متون زبانی و درک معانی
- نگاه انتقادی به دیده‌ها و نوشته‌ها

مهارت گوش دادن

- توجه به پاره مهارت‌های آوایی زبان فارسی
- دقت و تمرکز در سخن گوینده و تشخیص آهنگ کلام
- عادت به درست گوش دادن و دریافت پیام
- درک شنیداری انسجام متن
- توانایی درک پیام دیگران و توانایی در بررسی شنیده‌ها
- تشخیص انواع ساخت واژه در زبان فارسی
- توانایی نقد و تحلیل گفته‌ها و شنیده‌ها

مهارت سخن گفتن

- توانایی سخن گفتن مؤثر، مناسب و روان در برابر جمع با تأکید بر فن بیان
- توانایی غلبه بر کم رویی و پیدا کردن اعتماد به نفس
- توانایی در به کار بردن زبان فارسی معیار در گفتار
- توانایی در طرح افکار و اندیشه‌های خود در قالب گفتار
- توانایی اظهار نظر و بیان منطقی درباره محتوا
- رعایت پاره مهارت‌های آوایی زبان فارسی معیار

مهارت‌های خواندن

- توانایی خواندن متون نظم و نثر همراه با درک معنا
- روان خوانی گونه‌های مختلف متون زبانی و ادبی
- به کارگیری رفتارهای مطلوب در خواندن
- رعایت سرعت و لحن مناسب در خواندن متون
- مشارکت فعال در بحث و گفت و گو و همکاری با دیگران

– توانایی به کارگیری کارافزارهای خواندن

مهارت‌های نوشتن

– توانایی تبدیل نمادهای صوتی به نوشتاری (املا)

– توانایی تبدیل دیده‌ها، شنیده‌ها و خوانده‌ها به نوشته (نگارش)

– توانایی درست، خوانا و زیبانویسی

– رعایت نشانه‌گذاری‌ها در متن

– توانایی نوشتن خلاق و بدیع (انشا)

– رعایت رفتارهای مناسب هنگام نوشتن

– توانایی نوشتن متن‌های ساده

– استفاده از آرایه‌های ادبی در نوشتن

عنصر اخلاق

– توجه به ارزش‌های اخلاقی، دینی و انقلابی در مهارت‌های زبانی

– به کارگیری الگوهای اخلاقی بزرگان دینی و ملی

– توجه به ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی

– رعایت آداب اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی

آشنایی با ساختار کتاب فارسی

برای اجرای نیکوتر این برنامه، توجه شما همکاران ارجمند را به نکات زیر، جلب می‌کنیم:

این کتاب در دو بخش (مهارت‌های خوانداری، مهارت‌های نوشتاری) به آموزش و تقویت

مهارت‌های زبانی و ادبی می‌پردازد و با کتاب‌های فارسی دوره ابتدایی، از دید برنامه ریزی و سازماندهی

محتوایی پیوستگی دارد، به همین روی، لازم است همکاران ارجمند از ساختار و محتوای کتاب‌های

دوره پیش، آگاهی داشته باشند.

در بخش مهارت‌های خوانداری به ویژگی‌های گفتاری و آوایی زبان فارسی همچون لحن، تکیه،

آهنگ و دیگر خرده مهارت‌ها به طور مناسب توجه شود.

– در بخش مهارت‌های نوشتاری، فعالیت‌ها به گونه‌ای طراحی و سازماندهی شده‌اند تا آموزش

و یادگیری آموخته‌ها و کاربرد صحیح آنها به درستی محقق شود. توجه به اهداف آموزشی هریک از

تمرین‌ها ضروری است.

– رویکرد آموزشی کتاب، رویکرد فعالیت بنیاد و مشارکتی است؛ بنابراین طراحی شیوه‌های آموزشی به کارگیری روش‌های همیاری و گفت و گوی فعال توصیه می‌شود. حضور نشاط‌انگیز و فعال دانش‌آموزان در فرایند یاددهی یادگیری، کلاس را سرزنده و فرح بخش و آموزش را پویاتر می‌سازد و به یادگیری عمق و گوارایی می‌بخشد.

– توجه به نقش حواس برونی و بهره‌گیری از آنها در رشد و بالندگی مهارت‌های زبانی بسیار با اهمیت است.

– در آموزش مهارت‌های خوانداری، خرده مهارت‌ها نقش تأثیرگذاری دارند و بر طربناکی فضای کلاس و موضوع درس می‌افزایند.

– فعالیت‌های نوشتاری، تمرین برای تثبیت و تقویت محتوای خوانداری کتاب است. آموزش این دو بخش پا به پای هم صورت می‌گیرد تا مهارت‌های لازم هر دو پهنه هماهنگ و متناسب با یکدیگر تقویت و پرورده شود.

– از شرح و بیان مطالب اضافی که به انباشت دانش و خستگی ذهنی دانش‌آموزان منجر می‌شود، باید پرهیز کرد. این موضوع به ویژه در نکته‌های زبانی و ادبی، باید به طور جدی، رعایت شود. مباحث دستوری، ادبی و نگارشی در سال‌های آینده، با دقت و تفصیل بیشتری بیان خواهد شد؛ بنابراین به همین اندازه و محدوده کتاب باید بسنده کرد. کاربست آموزه‌ها از گسترش دامنه دانش، ارجمندتر است.

– از فعالیت‌های بخش کارگروهی که مربوط به قلمرو مهارت‌های گفتاری زبان است، تنها دو مورد به دلخواه از سوی گروه‌های دانش‌آموزی، پاسخ داده شود و از نوشتن در این بخش خودداری گردد تا فرصت پرورش توانایی سخن‌گویی و تقویت فن بیان فراهم آید.

– فصل ادبیات بومی با درس‌های آزاد، فرصت بسیار مناسب برای مشارکت دانش‌آموزان عزیز و دبیران گرامی در تألیف بخشی از کتاب است. پیشنهاد می‌شود برای تولید محتوای درس آزاد به موضوع‌های متناسب با عنوان فصل، در قلمرو فرهنگ و ادبیات بومی و آداب محلی، نیازهای ویژه نوجوانان و دیگر ناگفته‌های کتاب توجه شود.

– همه فعالیت‌های نوشتاری باید در دفتر پاسخ داده شوند. انجام فعالیت‌های نوشتاری در کلاس به صورت گروهی به پرورش تفکر دانش‌آموزان کمک می‌کند.

– درس انشا با تکیه بر رویکرد تلفیق همانند درس املا در بخش مهارت‌های نوشتاری طراحی

شده است. یکی از شگردهای بسیار مؤثر در پرورش ذهن و تقویت توان نویسندگی، بهره‌گیری از ضرب‌المثل است، این کار را در قالب تمرین نوشتاری سازماندهی کرده‌ایم.

— برای هر درس انشا و املا، دو نکته ذکر شده است که پیش از پرداختن به املا و انشا باید به آموزش و تأکید بر یادگیری و کاربست آنها توجه شود. همچنین موضوع انشا در هر فصل بهتر است با عنوان فصل و محتوای درس همخوانی داشته باشد.

— نکته‌های زبانی و ادبی، برگرفته از متن درس است و پیوستگی زیادی با ساختار زبانی درس دارد. آموزش این نکات به درک و فهم متن، کمک می‌کند. بنابراین متن محوری در این بخش از اصول مورد تأکید است.

— روان‌خوانی‌ها، شعرخوانی‌ها و حکایات باید با هدف پرورش مهارت‌های خوانداری، ایجاد نشاط و طراوت ذهنی، آشنایی با متون مختلف و مهم‌تر از همه، پرورش فرهنگ مطالعه و کتاب‌خوانی و شکوفایی تفکر، در ساختار فارسی گنجانده شده‌اند. در پایان همه روان‌خوانی‌ها بخش درک و دریافت با دو پرسش واگرا، تدوین شده است. این پرسش‌ها برای تقویت سواد خواندن، توانایی درک و فهم و پرورش روحیه نقد و تحلیل متون، تنظیم شده است.

— همه عناصر ساختاری و محتوایی کتاب فارسی، بر بنیان اصول علم برنامه‌ریزی درسی به صورت یکپارچه و درهم تنیده سازمان‌دهی شده است. از این رو، آموزش این کتاب می‌باید با همه ساعات آموزشی این برنامه به یک دبیر، واگذار گردد و برنامه‌ریزان محترم آموزشی مدارس نیز لازم است به این اصل پایبند باشند و از تفکیک ساعات آموزشی و موارد درسی (انشا، فارسی و املا) و تقسیم آن میان چند دبیر به ویژه دبیران غیرمتخصص جداً خودداری کنند. در سال‌های گذشته، یکی از آسیب‌های جدی این درس، کم‌توجهی به همین موضوع بوده است.

— شیوه ارزشیابی از این برنامه همان است که در سال‌های اخیر به کار گرفته می‌شد. البته بر جنبه‌های کاربردی مهارت‌های زبانی در هر دو بهانه مهارتی تأکید بیشتری داریم.

ساختار کتاب‌های فارسی دوره متوسطه اول

۱- ساختار فصول

* ستایش — فصل اول: زیبایی آفرینش فصل دوم: شکفتن — فصل سوم: اخلاق و زندگی — فصل چهارم: نام‌ها و یادها — فصل پنجم: اسلام و انقلاب اسلامی — فصل ششم: ادبیات بومی — فصل هفتم: ادبیات جهان — نیایش

۲- ساختار هر درس

الف) مهارت‌های خوانداری

متن درس تصویر خودارزیابی - دانش‌های زبانی و ادبی کارگروهی

۱- درس‌ها به دو روش مستقیم و غیرمستقیم ارائه شده‌اند.

الف) مستقیم: ارائه اطلاعات از سوی دانای کل

ب) غیرمستقیم: به کمک قالب‌هایی چون: داستان، خاطره، حسب حال و ...

۲- فعالیت‌ها

خودارزیابی

پرسش‌هایی از متن درس در سه سطح «همگرا، واگرا و بینابین» طرح شده است.

دانش زبانی و ادبی

در این بخش، واژه‌سازی، نکات املائی، دستوری، نگارشی و موضوع‌های ادبی برآمده از دل

درس آموزش داده می‌شود.

کارگروهی

مهارت شفاهی: مهارت‌های زبانی مبتنی بر دانش‌های زبانی و ادبی

نقد و تحلیل: توانایی اظهار نظر درباره شخصیت‌های یک داستان، کاربرد واژگان یک نوشته،

زیبایی‌های یک سخن، پیام‌های یک متن

فعالیت ویژه: قصه‌گویی، کتاب‌خوانی، شعرخوانی، نمایش، نقالی و قصه‌سازی

ب) مهارت‌های نوشتاری

این بخش در هر درس حدوداً شامل شش تا هشت تمرین نوشتاری است. چنین فعالیت‌ها

از ساده به دشوار و از رونویسی به نگارش و انشا (تمرین‌های املائی، نگارشی، انشایی و تحلیل

محتوایی) تنظیم شده است.

نوشتن: در این بخش، مهارت‌های نوشتاری زبان فارسی به شیوه‌های مختلف از قبیل املا و

انشا، تمرین و تقویت می‌شود. در هر درس مجموعه‌ای از فعالیت‌های نوشتاری، مبتنی بر آموزش‌های

بخش خواندن در نظر گرفته شده است.

توضیح

الف) کتاب با ستایش، آغاز و به نیایش ختم می‌شود.

ب) کتاب ۱۷ درس دارد.

پ) پس از هر فصل معمولاً یک شعر یا یک حکایت مناسب و هماهنگ با محتوای فصل آمده است.

ت) در هر فصل ۲ یا ۳ درس گنجانده شده است.

ث) متون نظم و نثر به طور متعادل و مناسب سازمان دهی شده است.

ج) در پیشانی هر فصل، جمله یا بیتی زیبا که بیانگر محتوای فصل باشد، آمده است.

چ) روان خوانی‌ها در پایان هر فصل با پرسش‌های «درک و دریافت» همراه است تا زمینه تقویت تفکر فراهم شود.

ح) در این کتاب یک فصل آزاد و تعدادی تمرین تکمیل کردنی، پیش بینی شده است.

کتاب فارسی در سازماندهی محتوایی برنگرش شبکه‌ای استوار است یعنی تمام عناصر ساختاری

و محتوایی یک فصل و کتاب، به صورت زنجیره‌ای به هم پیوسته‌اند. این درهم تنیدگی و پیوستگی را در نمودارهای طراحی شده برای فصل اول کتاب می‌بینیم.

فصل اول

زیبایی آفرینش

(درس اول)

عنوان: زنگ آفرینش

محتوا (متن و تصویر): اهمیت زیبایی‌های آفرینش – بیان آرزوها –

بهار – زنگ انشا – معلم – طبیعت

فعالیت خوانداری		
کار گروهی	نکته	خودارزیابی
الف) تأکید بر انجام کار گروهی در کلاس ب) تأکید بر تعمیق و تثبیت آموخته‌ها پ) ایجاد فرصت‌های بیشتر برای تقویت مهارت‌های زبانی ت) تقویت و درونی‌سازی روحیه پژوهش و مطالعه ج) ایجاد فرصت برای تقویت مهارت ذهنی نقد و تحلیل (تفکر انتقادی)	الف) جمله ب) تشخیص یا جان‌بخشی	الف) سؤال تفکر برانگیز در سه سطح همگرایی تا واگرایی به تناسب متن درس ب) برجسته کردن پیام‌های درس جهت جلب توجه دانش‌آموزان پ) تأکید بر عناصر زبانی و ادبی موجود در متن

فعالیت نوشتاری			
انشا	نگارش	املا	نکات زبانی
نوشتن متنی با استفاده از ضرب‌المثل	بند نویسی با توجه به آرایه جان‌بخشی	استفاده از کلمات هم‌آوا، واژه‌سازی	کامل کردن جمله با استفاده از آرایه جان‌بخشی

(درس دوم)

عنوان: چشمه معرفت

محتوا (متن و تصویر): روحیه معرفت جویی – نگاه کنجکاوانه – نوجوانی –

نشاط – عاطفه و احساس – زیبایی خلقت – طبیعت

فعالیت خوانداری		
کار گروهی	نکته	خودارزیابی
الف) تأکید بر انجام کار گروهی در کلاس ب) تأکید بر تعمیق و تثبیت آموخته‌ها پ) ایجاد فرصت‌های بیشتر برای تقویت مهارت‌های زبانی ت) تقویت و درونی‌سازی روحیه پژوهش و مطالعه ث) ایجاد فرصت برای تقویت مهارت ذهنی نقد و تحلیل (تفکر انتقادی)	الف) انواع جمله ب) تشبیه	الف) سؤال تفکر برانگیز در سه سطح همگرایی تا واگرایی به تناسب متن درس ب) برجسته کردن پیام‌های درس جهت جلب توجه دانش‌آموزان پ) تأکید بر عناصر زبانی و ادبی موجود در متن

فعالیت نوشتاری			
انشا	نگارش	املا	نکات زبانی
نوشتن زیبایی‌های آفرینش به نثر امروز	جمله‌سازی، ساخت ترکیب تشبیهی در جمله، تشخیص ویژگی مشترک کلمه در متن داده شده، نوشتن متنی در دو سطر با استفاده از ضرب‌المثل	نوشتن کلمه‌های مهم املایی از متن درس و کلمه‌های هم‌خانواده، تشخیص کلمه‌های غلط در متن	استفاده از تشبیه در جمله و متن

بررسی ساختار کلی کتاب فارسی دوره متوسطه اول

براساس برنامه مدون، دو بخش برای آموزش فارسی در دوره متوسطه یک در نظر گرفته شده است :

(الف) مهارت‌های شفاهی زبان

(ب) مهارت‌های کتبی زبان

هر دو بخش ارزش آموزشی یکسان دارند و مهارت‌های زبانی و ادبی را به طور موازی و مساوی و با آهنگی مناسب و متناسب پیش می‌برند. گره خوردگی و پیوند مطالب به گونه‌ای است که تدریس یک بخش کتاب نه ممکن است و نه عملی و علمی و منطقی.

این دو بخش در امتداد و استمرار کتاب‌های فارسی بخوانیم و بنویسیم ابتدایی، مهارت‌های شفاهی زبان (گوش دادن، سخن گفتن، خواندن) و مهارت‌های کتبی زبان (املا، انشا و نگارش) و مهارت‌های فرازبانی (تفکر و نقد) را پرورش می‌دهند.

در این کتاب، آموزش مهارت‌های خواندن مقدم بر نوشتن است. اکنون به تبیین جداگانه هر یک از این دو مهارت می‌پردازیم :

(الف) مهارت‌های خواندن

اهداف اساسی این بخش را در نکات زیر باید جست و جو کرد :

- ۱- درک متن‌ها و دریافت پیام اصلی آنها
- ۲- توانایی بلندخوانی، صامت خوانی و خواندن با لحن و آهنگ مناسب
- ۳- گسترش دایره دید در خواندن
- ۴- توانایی بحث و بررسی و نقد موضوعات مطرح شده در متن دروس
- ۵- توانایی شناخت و به کارگیری مهارت‌های زبانی
- ۶- به کارگیری کارافزارهای مناسب خواندن
- ۷- تقویت و تلطیف ذوق ادبی

بخش «خواندن» از هفت فصل و موضوع کلی و اساسی تشکیل شده است.

هر فصل شامل دو یا سه درس است که تعداد درس‌ها به اهمیت فصل و نیازهای دانش‌آموز بستگی دارد. همه کتاب ۱۷ درس است. فصل ششم کتاب فصل آزاد (ننوشته) است که این فصل را دانش‌آموزان با مشارکت و همیاری یکدیگر و با نظارت و هدایت دبیر، تهیه خواهند کرد.

در هر فصل، شعرخوانی و روان خوانی آمده است. این شعرها و روان خوانی‌ها (روان خوانی‌ها غالباً داستان هستند) برای تقویت مهارت خواندن و به عنوان مکمل محتوا و مفاهیم فصل آمده‌اند.

توضیح آنکه متن‌های کتاب فارسی اول، از معاصران است و این حکایات علاوه بر تقویت مهارت خواندن که هدف اصلی آن است، نوعی موازنه در متون نو و کهن در کتاب پدید می‌آورد.

در مجموع پنج شعرخوانی، سه حکایت و هفت روان خوانی در کتاب آمده است.

کتاب با ستایش (شعر و نثر) آغاز و با نیایش پایان می‌یابد که ستایش و نیایش جزء درس و فصل‌ها قرار نگرفته‌اند. این شیوه از سنت‌های ادبی ماست. در گذشته نیز مرسوم بوده است که کتاب‌ها با ستایش (تحمیدیه) شروع و با نیایش (مناجات) پایان یابند. کتاب با واژه نامه، اعلام (اشخاص، آثار و مکان‌ها) فهرست کتاب‌های مناسب با برنامه درسی و فهرست منابع و مآخذ پایان می‌یابد.

واژه نامه براساس نظام الفبای فارسی، واژه‌های دشوار دروس را معنی کرده است. دانش‌آموزان در صورت برخورد با واژه‌ای که معنای آن روشن نیست، به این بخش مراجعه خواهند کرد. اعلام (نام‌های خاص و برجسته) بخش دیگری از کتاب است که به تفکیک نام‌های انسانی، آثار (کتب معتبر مطرح شده در متن کتاب) و مکان‌ها (نام‌های جغرافیایی در متن کتاب) را توضیح داده است. تفکیک این بخش‌ها برای سهولت مراجعه و دست‌یابی دانش‌آموز به آنهاست. بسیاری از این نام‌ها به صورت تفصیلی و گسترده تر در کتاب راهنمای معلم ذکر شده‌اند.

اعلام نیز مبتنی بر نظام الفبای فارسی سامان یافته‌اند.

فهرست منابع و مآخذ، بخشی از منابع هستند که در تألیف مستقیماً از آنها استفاده شده است. این فهرست نیز به شیوه متداول ذکر منابع و مآخذ براساس نظام الفبایی تدوین و تنظیم شده است. همچنین فهرست کتاب‌های مناسب با برنامه درسی فارسی پایه اول متوسطه یک، برای افزایش اطلاعات آورده شده است.

فعالیت‌های هر درس: در پایان هر درس سه دسته فعالیت با عنوان‌های خودارزیابی، دانش‌های زبانی و ادبی و کارگروهی دیده می‌شود.

۱- خودارزیابی

این فعالیت، کلاس را با تعامل میان معلم و دانش‌آموز، و دانش‌آموز با دانش‌آموز مواجه می‌سازد. اهداف این فعالیت عبارت‌اند از:

— ارزشیابی میزان درک دانش‌آموز از مطالب و متن درس

– خود ارزشیابی دانش‌آموزان، دانش‌آموز درمی‌یابد چه مفاهیمی را دریافت نکرده است و از این طریق خلاء اطلاعاتی خود را با هم کلاسی‌هایش جبران می‌کند.

– تقویت توجه، دقت و تمرکز حواس

– ارتقای درک شنوایی و مهارت در گفت و گو

– گسترش حوزه اطلاعات متن به اطلاعات دانش‌آموزان

– ایجاد فضای تعامل، نقد، همفکری و همیاری علمی

در بخش خودارزیابی معمولاً سه تا چهار پرسش مطرح می‌شود که نخستین پرسش همگراست (پاسخ‌ها تقریباً یکسان و مربوط به متن درس است و دانش‌آموزان با مراجعه به متن پاسخ آن را خواهند داد). این پرسش میزان توجه و دریافت دانش‌آموزان را نسبت به متن درس ارزشیابی خواهد کرد.

معمولاً پرسش دوم تلفیقی است از همگرا و واگرا (به زبان دیگر هم بخشی از پاسخ را در متن درس می‌توان یافت و هم پاسخ مستلزم اطلاعات بیرونی و گسترده تر از متن است). پاسخ به این سؤال صبر و حوصله و زمان بیشتر می‌طلبد.

سؤال سوم عمدتاً واگراست (فراتر از متن و برای گسترش و ژرفا بخشیدن به درس است) و طبیعی است نباید از دانش‌آموزان انتظار پاسخ‌های یکسان داشته باشیم.

در خودارزیابی همیشه یکی از سؤال‌ها به صورت نقطه چین مطرح شده است. این سؤال فرض است تا دانش‌آموزان و معلم به طرح سؤال احتمالی دیگر بپردازند. وجود این سؤال به معنای آن است که می‌توان چند سؤال دیگر مطرح کرد و در صورتی که ضرورت نباشد، حتی از طرح این سؤال نیز خودداری کرد.

نکته بسیار مهم: این سؤال گفتنی و شفاهی است نه نوشتنی؛ بنابراین نیازی به نوشتن پاسخ آن در کتاب نیست.

نکته مهم دیگر آن که بخش خودارزیابی کاملاً شفاهی است و نیازی نیست دانش‌آموزان جواب‌ها را در کتاب بنویسند. فعالیت‌های نوشتاری مناسب در بخش «نوشتن» به اندازه کافی در نظر گرفته شده است.

توصیه‌های لازم

۱- هنگام پرسش، فرصت اندیشیدن، مشورت کردن و گفت و گوی دانش‌آموزان فراهم شود.

۲- دانش‌آموزان را تشویق کنید تا پاسخ‌های خود را شرح دهند و از پاسخ‌های کوتاه و گفتن

بله و خیر پرهیز کنند.

۳- دانش‌آموزان را تمرین دهید تا پاسخ خود را زمانی بدهند که پرسش کامل خوانده شده باشد.

- ۴- دانش‌آموزان را تمرین دهید که پیش از پاسخ دادن خوب فکر کنند تا پاسخ دقیق و منسجم بدهند.
- ۵- از دانش‌آموزان بخواهید علاوه بر پاسخ نظر خود را درباره سؤال طرح کنند.
- ۶- به دانش‌آموزان فرصت دهید که پاسخ خود را در مراجعه به متن بیابند، این کار باعث مرور متن می‌شود و جز درک معنا، در املا و یافتن شکل درست واژگان مؤثر است.
- ۷- دانش‌آموزان را تمرین دهید تا هنگام پاسخ گویی دیگران سکوت کنند و گوش دهند و احترام پاسخ گوینده را حفظ کنند.
- ۸- تشویق پس از دریافت پاسخ و ایجاد انگیزه برای مشارکت در پاسخ گویی بسیار مهم است.

۲- دانش‌های زبانی و ادبی

دانش‌های زبانی و ادبی، مجال و فرصتی برای طرح مباحث دستوری، نگارشی، ادبی، زبانی و گسترش و ژرفبخشی به دانش‌هایی هستند که دانش‌آموزان در کتاب‌های فارسی ابتدایی کسب کرده‌اند. در طرح این نکته‌ها، کوشش شده تا دانش‌آموز علاوه بر تلاش برای رشد و تقویت مهارت‌های زبانی، نقش فرازبانی زبان را دریابد؛ واژه‌ها را درست تعبیر و تفسیر کند؛ به تشریح و تبیین عناصر زبانی پردازد؛ سازمان درونی کلمه‌ها و جمله‌ها را بشناسد و بتواند جمله‌های صحیح دستوری را در گفته‌ها و نوشته‌های خود به کار گیرد.

شناخت ساختمان نحوی زبان فارسی و روابط هم‌نشینی واژه‌ها در زبان فارسی معیار از دیگر اهداف دانش‌های زبانی است.

در بخش دانش‌های ادبی، آشنایی با موضوعات شعر و نثر، قالب‌های شعری، زیبایی‌های ادبی و آموزه‌های نگارشی برای نوشتن خلاق و آمادگی برای نویسندگی و مهارت‌های آفرینش متن زیبا صورت می‌گیرد.

یکی از نکات بدیع و تازه‌ای که در این کتاب مطرح شده و در آینده استمرار می‌یابد، طرح مباحث مربوط به «مطالعه» است. دانش‌آموزان باید با مطالعه، روش‌های درست مطالعه و حرکت از مطالعه به سمت پژوهش و تحقیق آشنا شوند.

توصیه‌های مهم

- ۱- این بخش‌ها باید با درنگ، دقت، طرح مثال‌هایی بیشتر و با بهره‌گیری از همیاری و مشارکت دانش‌آموزان تدریس شود.

۲- دبیران گرامی باید با پیش زمینه‌ها و پیش خوانده‌های دانش‌آموزان در سال‌های گذشته آشنا باشند.

۳- تدریس باید زنده، شاداب، لذت بخش و به‌اندازه باشد. منظور از به‌اندازه، پرهیز از دادن اطلاعات اضافی و انباشتن ذهن و خسته کردن دانش‌آموز است.

۴- تدریس این بخش باید با کتاب نوشتن هماهنگ و همراه باشد. آنچه را دانش‌آموز در این بخش به صورت شفاهی می‌آموزد، در بخش «نوشتن» به صورت کتبی و نوشتاری تمرین خواهد کرد.

۳- کارگروهی

دانش‌آموزان از یکدیگر می‌آموزند، به یکدیگر می‌آموزانند و به دلیل داشتن زبان مشترک و احساسات نزدیک به هم، بهتر می‌توانند مفاهیم را به هم تفهیم و منتقل سازند. کارگروهی، امتداد و استمرار «فعالیت‌های ویژه» در سال‌های ابتدایی است. در کارگروهی، دانش‌آموزان در گروه‌های خود به پاسخ مشترک و مناسب می‌رسند و در کلاس مطرح می‌کنند.

با اندکی دقت در این فعالیت، درمی‌یابیم که هدف، تقویت، تعمیق، گسترش و گاه تجسم بخشیدن به آموزه‌های درس است. برای اجرای بهتر این بخش پیشنهاد می‌شود:

۱- دانش‌آموزان در گروه به بحث درباره پرسش بپردازند. درباره دیدگاه‌های یکدیگر گفت و گو کنند و پس از اتمام بحث در صورت داشتن فرصت با گروه مجاور گفت و گو کنند.

۲- مجالی برای نمایش‌های کارگروهی فراهم شود. نمایش در ایجاد نشاط، شادابی و انتقال بهتر و پایاتر مفاهیم مؤثر است. دقت شود از همه دانش‌آموزان بهره گرفته شود و نمایش طولانی نشود. نمایش، فرصت ابراز توانایی‌ها و خلاقیت‌هاست.

شعرخوانی

در فارسی اول تا ششم ابتدایی شعرها به عنوان متن درس به کار گرفته شده بودند؛ شعرها مکمل مفاهیم درس یا گسترش دهنده مفاهیم فصل محسوب می‌شدند.

عنوان «شعرخوانی» جایگزین عنوان «با هم بخوانیم» در دوره ابتدایی است. این سروده‌ها گذشته از ایجاد نشاط و شکفتگی روح، زمینه‌ای مناسب برای زبان‌آموزی، شناخت واژگان، آشنایی با ادبیات و فرهنگ، تقویت ذوق و تکیه گاه انتقال و طرح مفاهیم، ارزش‌ها و بایسته‌های اجتماعی، اخلاقی، دینی و

فرهنگی است.

بیشتر اشعار از شاعران معاصر کشور انتخاب شده‌اند (رویکرد تدوین و تألیف فارسی اول متوسطه تکیه بر ادبیات امروز ایران است). جز این ویژگی، ویژگی‌های دیگر این سروده‌ها عبارت است از:

- ۱- سروده‌ها با موضوع فصل پیوند دارند.
- ۲- از نظرگاه موسیقی شعری و درون مایه همخوان با متن و ذوق مخاطب هستند.
- ۳- نمونه شعرها کوتاه انتخاب شده‌اند تا اجرا در کلاس امکان پذیر باشد؛ بنابراین گاه ابیاتی از اصل شعر حذف شده است.
- ۴- کوشش بر آن بوده است که سروده‌ها تنوع وزن و مضمون داشته باشند.
- ۵- به تنوع شاعر نیز توجه شده است. معیار انتخاب روایی، زیبایی گرای و همخوانی شعر با موضوع و مخاطب بوده است.

توصیه‌ها و پیشنهادها

- ۱- سروده‌ها را می‌توان به صورت گروهی در کلاس اجرا کرد. می‌توان هر شعر را به یک گروه اختصاص داد تا هم حفظ کند و هم در کلاس اجرا کند.
- ۲- اجرای گروهی شعر، خود نوعی آموزش همیاری و همکاری و انجام کار به صورت جمعی است.
- ۳- می‌توان از نوار موسیقی مناسب یا وسایل مناسب موسیقی استفاده کرد تا شعر تأثیرگذارتر شود.
- ۴- از توضیح بیت به بیت شعر پرهیز شود. بهتر است مفهوم و مضمون محوری شعر با گفت‌وگوی دانش‌آموزان روشن شود.
- ۵- گفتن املا و مشق از شعرها و «روان خوانی»ها، مانعی ندارد؛ زیرا آنچه در کتاب درسی آمده، بخشی از محتواست که باید در آموزش و ارزشیابی مورد توجه قرار گیرد.
- ۶- بحث در باب نوع شعر، قالب و ... لازم نیست.
- ۷- برای درست خوانی شعر می‌توان از نوار یا خوانش دقیق معلم بهره گرفت تا دانش‌آموزان آهنگ، درنگ، تکیه و تلفظ درست واژه‌ها را دریابند.
- ۸ از سروده‌ها در مناسبت‌ها می‌توان استفاده کرد (با هماهنگی مدیر و مربی مدرسه).

روان خوانی

روان خوانی‌ها معمولاً ساختاری داستانی دارند و برای رشد، گسترش و تقویت مهارت‌های خواندن

در پایان فصل‌ها قرار گرفته‌اند. در مجموع هفت روان‌خوانی در کتاب فارسی سال اول آمده است.

اهداف

- ۱- رشد و گسترش توانایی خواندن نمادهای نوشتاری و تصویری زبان فارسی
 - ۲- توانایی دریافت ارتباط معنایی بخش‌های مختلف یک متن
 - ۳- توانایی درک پیام متن
 - ۴- توانایی صامت خوانی و بلندخوانی و تندخوانی
 - ۵- توانایی بررسی محتوای یک متن
 - ۶- توانایی به‌کارگیری شیوه‌های مناسب خواندن
 - ۷- توسعه و تقویت آداب و عادات پسندیده در خواندن
 - ۸- گسترش وسعت دید در خواندن
 - ۹- آشنایی با نمونه‌های خوب تثر و نویسندگان ادبیات داستانی و معاصر
- ۱۰- تعمیق بخشیدن محتوا محوری فصل به کمک قصه و داستان در ذهن فراگیران زبان و نیز ادبیات، بر پیوندی دوسویه استوار است. یک سوی آن گوینده (شاعر یا نویسنده) است و سوی دیگر آن شنونده یا خواننده که گیرنده پیام است. در قلمرو ادبیات این پیوند از شاعر یا نویسنده آغاز می‌شود و برای تکمیل آن به خواننده‌ای معناآفرین و تصویرساز نیاز است تا با نیروی درک و تخیل و آفرینش ذهن خود، خلق هنری را به پایان رساند. به همین روی ارج و شأن «خواندن» در خلق آفرینش ادبی آن چنان برجسته است که فرایند خواندن را یکی از کارکردهای مهم و اثرگذار کنش‌های زبانی در فربه‌سازی اندیشه و رشد و پرورش شخصیت فکری به شمار می‌آورند. «خواندن» یک اثر مکتوب را به گفتاری پویا و زنده تبدیل می‌کند که در جریان شکل‌گیری آن عوامل دیگری نظیر فضای فکری و جهان‌نگری خواننده، زمینه، موقعیت و لحن کلام و ... سبب می‌شوند تا معانی و برداشت‌های تازه‌ای از اثر پدیدار شود.
- بنابراین خواندن یک اثر، پیوندی است میان متن و خواننده. به بیان دیگر خواندن، تعاملی است که بین عناصر متن و خلاقیت‌های ذهنی خواننده ایجاد می‌شود؛ به همین سبب برخی به دو گونه «خواندن» اشاره می‌کنند؛ الف) خواندن پذیرا ب) خواندن سازنده.
- در جریان خواندن پذیرا، خواننده خود را تنها به درک و دریافت جمله به جمله متن محدود و مقید می‌کند و تصویر و ادراک درستی از کلیت اثر نمی‌تواند به دست آورد.
- در خواندن سازنده، خواننده بر پایه جریان فعال ذهنی خود و دریافت معنا و تصاویر و تخیل حاکم

بر فضای کلی اثر، فرایند خواندن را پیش می‌برد و ارتباط ویژه‌ای با متن برقرار می‌سازد. در این شیوه، کنش خواندن یک فعالیت پویا و اثرگذار است.

لحن و شیوه خواندن، مهم‌ترین فرایند هستی بخش هر اثر ادبی هنری است. وقتی خواننده هنگام عمل خواندن، خود را در فضای حسی عاطفی اثر می‌یابد، در واقع با آن همراه و هم حس می‌شود. این ایجاد هم‌سویی و هم‌حسی با متن سبب می‌شود که خواننده هستی خود را با خلق و خوی و منش قهرمان اثر همراه و یکسان ببیند و در خود دگرگونی و تحولی احساس کند. تبدیل به دیگری شدن در جریان خوانش یک اثر چنان شناخت حقیقت و هویت خویشتن با ارزش است. البته ناگفته نماند که کنش خواندن افزون بر کارکرد تعالی بخش و دگرگون کننده، ممکن است به دلیل آگاهی‌های نادرست و نارسای خوانندگان، نه تنها قابلیت‌های زبانی، تصویری و شنیداری متن را آشکار نسازد، بلکه با خوانش سطحی و ناقص، ویژگی‌های اثرگذار نوشته را نادیده بگیرد.

هویت خواننده هم موضوعی است که باید بدان توجه کرد. هر فرد دارای ویژگی‌هایی است و در هر لحظه به فراخور زمان و مکان و فضایی که در آن قرار می‌گیرد، پاره‌ای از آن ویژگی‌ها را به نمایش می‌گذارد. خواندن یک متن هم به عنوان موقعیتی اثرگذار، بخشی از هویت فرد را آشکار می‌سازد. بهره‌گیری از قصه و داستان و حکایت آموزنده و سازنده، بهترین وسیله برای غنی‌سازی هدفمند اوقات فراغت و ابزار بسیار مناسبی برای پرورش مهارت‌های زبانی دانش‌آموزان است.

خواندن قصه و داستان، عادت به مطالعه و خوگیری با آن را در فراگیری پرورده می‌سازد و باعث رشد کلامی، پویایی ذهن و خلاقیت بیشتر فکر و اندیشه می‌شود و گنجینه واژگانی و افق دریافت مفاهیم را در دانش‌آموزان گسترش می‌دهد.

خواندن به گونه‌ای آموزش املا نیز هست؛ زیرا دانش‌آموزان در کتاب شکل درست کلمات را می‌بینند و تصویر آن در ذهنشان جایگیر می‌شود و هنگام نوشتن در منظر دیدگاه آنها پدیدار می‌گردد. از طریق خواندن نمونه‌های خوب روان خوانی، فراگیران با ساختار دستوری صحیح جمله‌ها و ترکیب‌های رایج زبان نوشتاری معیار نیز آشنا می‌شوند و در نتیجه به بسیاری از مهارت‌های مندرج در برنامه آموزش زبان دست می‌یابند.

خواندن کتاب‌های داستانی، ابزار مناسبی برای پرورش استعداد، تخیل و رشد و ساماندهی شخصیت نوجوانان و جوانان است. قصه خوانی، مجالی فراهم می‌کند تا بسیاری از ارزش‌های اخلاقی و خوی و منش پسندیده در دانش‌آموزان درونی و نهادینه شود. آنان با الگوپذیری از قهرمانان و شخصیت‌های داستانی

به اصلاح و بازسازی رفتارهای خود می‌پردازند. این الگوپذیری باعث می‌شود رنج‌های روحی و فشارهای روانی ویژه دوره نوجوانی و بلوغ در آنان کم رنگ شود. به همین سبب معمولاً نوجوانان آثار داستانی - ادبی را پناهگاه روحی خود می‌بینند و مشکلات رفتاری زندگی و ناکامی‌های اجتماعی خویش را از طریق خواندن این آثار بی‌اثر می‌کنند.

بر همین بنیاد باید افزود که رشد و پرورش همه جنبه‌های شخصیتی نوجوانان و جوانان را می‌توان در استمرار خواندن کتاب‌های داستانی یافت.

همچنین زیبایی‌های حسی - عاطفی موجود در کتاب‌ها و نمونه‌های داستانی، حس عاطفی و زیباشناسانه نوجوان را برمی‌انگیزد و سبب رشد و پرورش جنبه‌های عاطفی و نگرش آنان می‌شود. نوجوانان با خواندن داستان‌های حکمت آمیز، بسیاری از رفتارهای اجتماعی و راه برقراری ارتباط مؤثر را می‌آموزند و به شناخت و کسب تجربه‌های ارجمندی نسبت به جامعه پیرامون و جهان امروز دست می‌یابند و مطالب فراوانی درباره دانش‌های دیگر مانند تاریخ، علوم تجربی، جغرافیا و ریاضیات فرا می‌گیرند.

بر پایه آنچه گفتیم، برنامه درسی زبان آموزی تأکید بسیاری بر فعالیت کتاب خوانی دانش‌آموزان دارد و توصیه می‌کند که در هر هفته دانش‌آموزان حداقل یک کتاب را بخوانند و در کلاس در مورد عناصر داستان (شخصیت‌ها، زاویه دید، درون مایه، لحن و ...) گفت و گو کنند؛ چکیده‌ای از داستان را بازگو نمایند و درباره علت و چگونگی رویدادها، اظهار نظر و احساسات خود را بیان کنند. همچنین بایسته است دانش‌آموزان به اطلاعات کتاب شناسی، نظیر: نام نویسنده، مترجم، ناشر، سال و مکان نشر هر اثر توجه کنند.

شایسته است فضایی در کلاس فراهم شود تا دانش‌آموزان در گروه‌های ۴ یا ۵ نفره کتاب را برای یکدیگر بخوانند و دیگران پس از گوش دادن، درباره آن با یکدیگر گفت و گو کنند.

(ب) مهارت‌های نوشتن

نوشتن برای تقویت مهارت‌های املایی، انشایی، نگارشی، دستوری و بلاغی است. این بخش جزء جدایی ناپذیر مهارت‌های خواندن است و باید پایه پای آن پیش برود؛ بنابراین تفکیک تدریس آن یا در نظر گرفتن دبیر جداگانه برای آن هرگز پذیرفته نیست. در این بخش به اقتضای هر درس به‌طور میانگین هشت تمرین در نظر گرفته شده است. تمرین‌های نوشتن در مسیری منطقی و منطبق بر آموزش‌های مهارت «خواندن» تدوین و تنظیم شده‌اند. حدود ۱۲۰ تمرین در این کتاب وجود دارد که

برای تحقق مهارت‌های زیر (گاه نیز چند مهارت تلفیقی) در نظر گرفته شده‌اند :

۱- مهارت‌های متنوع املائی

۲- مهارت‌های زبانی و دستوری

۳- مهارت‌های نگارش و انشا

معمولاً نخستین تمرین‌ها ارزش املائی دارند و دانش‌آموزان با مراجعه به متن درس و آموزه‌های املائی به آنها پاسخ می‌دهند.

تمرین‌های میانی برای تقویت مهارت‌هایی هستند که در دانش‌های زبانی و ادبی مطرح شده‌اند و تمرین‌های پایانی به انشا و نگارش پرداخته‌اند.

در نتیجه به طور نسبی حدود ۵۵ تمرین نگارشی در طول سال در کلاس برگزار خواهد شد که نشان دهنده اهمیت این موضوع در برنامه جدید فارسی راهنمایی است.

در فعالیت‌های «نوشتن» از ظرفیت‌ها و امکانات گوناگون مانند جدول و تصویر بهره گرفته شده است. باید مجالی ایجاد کرد تا دانش‌آموزان آزادانه و با اندیشیدن و مشورت کردن در فضایی پر از نشاط و آرامش به نوشتن بپردازند.

توصیه‌ها و پیشنهادها

۱- به دلیل پیوستگی و ارتباط تنگاتنگ مطالب در کتاب، همزمانی انجام فعالیت‌ها توصیه می‌شود؛ اما نکته مهم آن است که تمرین‌های مربوط به دانش‌های زبانی و ادبی باید پس از تدریس این نکات در کلاس انجام شود.

۲- موضوعات انشا کاملاً با فصل و محتوای دروس پیوند دارند. در نتیجه دانش‌آموزان با ذهنی نسبتاً آماده به سراغ انشا خواهند رفت.

۳- توضیحات دبیر و مشورت در گروه پیش از نوشتن انشا به تقویت ذهن برای نوشتن کمک می‌کند.

۴- می‌توان فضایی برای مطالعه یا مشاهده قبل از نوشتن انشا فراهم کرد تا نوشتن با پشتوانه‌ای از اطلاعات صورت گیرد. استفاده از کتابخانه توصیه می‌شود.

۵- فرصتی برای خواندن انشای دانش‌آموزان در کلاس فراهم شود.

۶- بهترین انشاها را می‌توان در کلاس نصب کرد. خواندن انشا با هماهنگی مدیر و مربی در جمع دانش‌آموزان (در مراسم صبحگاهی و آغازین) توصیه می‌شود.

۷- می‌توان مجموعه‌ای از بهترین نوشته‌ها را جمع‌آوری و چاپ کرد. ارسال برای مجلات

رشد پستوانه و تشویق مناسبی برای تداوم نوشتن است.

۸ در نوشتن جداولی که مربوط به مباحث دستوری است، نظارت و هدایت دبیر لازم است.

۹- ارزشیابی در پایان هر درس، موقعیتی را برای ارزشیابی مستمر فراهم می‌سازد.

دانش‌های زبانی (دستور)

دستور زبان، مجموعه‌ی اصول، مفهوم‌ها، تعریف‌ها و قاعده‌هایی است که اهل زبان آن را در کودکی به‌طور ناخودآگاه فرامی‌گیرند و از آنها برای فهمیدن سخن دیگران و سخن گفتن استفاده می‌کنند (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۸۷). زبان‌شناسان و دستوریان می‌کوشند تا این مجموعه اصول و قواعد را کشف و توصیف کنند و با عنوان دستور زبان ارائه کنند.

در ابتدای سخن شاید بهتر باشد درباره‌ی ضرورت آموزش دستور بیندیشیم. بسیاری از متخصصان معتقدند وقتی اهل زبان به راحتی سخن می‌گویند و سخن دیگران را درک می‌کنند و به صورت طبیعی دستور زبان را رعایت می‌کنند، نیازی به آموزش دستور نیست. از طرفی برخی دیگر بنا به دلایل زیر آموزش دستور را لازم می‌دانند:

● دستور زبانی که در کودکی فراگرفته می‌شود، ناخودآگاه است و با علم آگاهانه درباره‌ی زبان تفاوت دارد.

● دستور زبان کودک، دستور زبان گفتاری غیررسمی و گاه عامیانه است؛ حال آنکه در زبان رسمی نوشتاری آموزش دستور اجتناب‌ناپذیر است.

علاوه بر دلایل فوق، پژوهش‌ها حاکی از آن است که درک ساخت جمله در افزایش درک متن بسیار مؤثر است. به عبارت دیگر وقتی دانش‌آموزان نحوه خرد کردن جمله به اجزای آن را بیاموزند، درک آنها تقویت می‌یابد.

بناباه دلایل یاد شده، در کتاب اول متوسطه دستور زبان ارائه شده است؛ اما از آموزش دستور به‌شکل سنتی پرهیز شده است. آنچه در آموزش این بخش بسیار اهمیت دارد، این است که تا حد امکان دستور در بافت زبان آموزش داده شود، به‌طوری که دانش‌آموز ارتباط آن را با زبان درک کند.

مبانی نظری آموزش دستور

مرور تاریخچه دستورنویسی، نشان می‌دهد که نگاه غالب دستور سنتی است. امروزه، دستور سنتی بنا به دلایل زیر تقریباً کنار گذاشته شده است:

۱- تجویزی بودن: نویسندگان به جای این که کوشش کنند زبان را همچون دستگاهی نظام یافته نگاه کنند و قواعد حاکم بر آن را کشف و توصیف نمایند، بنای کار خود را بر امر و نهی بنیاد نهاده‌اند و کاربرد صحیح قواعد زبان را متذکر می‌شوند. به همین دلیل دستور زبان در دستور سنتی به این صورت تعریف می‌شود: «دستور زبان قواعدی است برای درست گفتن و درست نوشتن». (دستور پنج استاد و ...). انتخاب واژه دستور در زبان فارسی برای این شاخه از مطالعه زبان، گویای همین نگرش است. در صورتی که دستور زبان مجموعه قواعدی محدود است که اهل زبان آن را به طور ناخودآگاه فرا می‌گیرند و در ذهن خود نگهداری می‌کنند و کار دستورنویس و زبان شناس باید توصیف این دانش ناخودآگاه باشد.

۲- انعطاف ناپذیری: دستورنویسان سنتی گمان می‌کنند در هر مورد فقط یک صورت «درست» وجود دارد و هرچه جز آن باشد، «غلط» است. در صورتی که تمایز درست و غلط مشخص و مطلق نیست. در بسیاری از موارد دو یا چند صورت زبانی می‌توانند درست باشند و به کار روند. تنها ملاک برای تمایز بین درست و غلط نحوه کاربرد یا استعمال اهل زبان است.

۳- ابدیت دستور: یکی دیگر از فرض‌های غلط که اساس کار دستورنویسان سنتی قرار گرفته، این است که زبان تغییر نمی‌کند یا نباید تغییر کند و اگر دستور زبان جامعی برای یک زبان نوشته شود، می‌تواند برای همیشه معتبر و مستند باشد.

مسلم است که چنین فرضی خلاف ماهیت و کار زبان است؛ چرا که زبان همواره در حال تغییر است و صورت‌های تحول یافته، غلط محسوب نمی‌شوند و اگر تغییرات تازه در دستور زبانی که نوشته شده، منعکس نگردد، ناچار کهنه می‌شود و رفته رفته ارزش خود را از دست می‌دهد.

۴- تحمیل تحولات خارجی به زبان: دستورهای سنتی فارسی زیر نفوذ دستور زبان‌های دیگر قرار گرفته‌اند و از این رو تحولات آنها را به خود پذیرفته‌اند؛ مثلاً به قیاس از زبان عربی، اسم به جامد و مشتق تقسیم‌بندی می‌شود و اسم‌های مشتق را چنین می‌شمرند: اسم فاعل، اسم مفعول و ... در صورتی که اشتقاق کلمات در فارسی از راه افزودن پیشوند و پسوند است، نه داشتن ریشه عربی.

۵- درهم آمیختن دستور تاریخی (در زبان) و دستور معاصر (هم زبانی): آنچه درباره گذشته یک زبان صادق بوده، الزاماً درباره وضع امروز آن درست نیست. برای نوشتن دستور زبان معاصر هر زبانی باید فارغ از علل و سوابق تاریخی مطالعه شود.

برای مثال در فارسی معاصر «همی» برای ماضی استمراری کاربرد ندارد؛ بنابراین در دستور زبان معاصر نباید از آن نامی به میان آورد.

دستور زبان‌های سنتی، نه توصیف کاملی از گذشته زبان به دست می‌دهند و نه وضع حال آن را به خوبی مشخص می‌کنند.

۶- نداشتن نظریهٔ زبانی: همان‌طور که در ابتدای بحث اشاره کرده‌ایم، دستورهای سنتی بر بنیاد چنین نظریهٔ عمومی قرار نگرفته‌اند. از آنجایی که این دستورها بر مبنای نظریهٔ روشن و صریحی دربارهٔ زبان قرار ندارند، ناچار توصیف آنها از ساختمان زبان، آشفته، نامنظم، بریده بریده و در بسیاری موارد نادرست و گمراه کننده است.

۷- درهم آمیختن زبان و ادبیات: زبان و ادبیات هر یک دستوری مختص به خود دارند و در آمیختن آنها با همدیگر و نیز تدریس دستور زبان به وسیلهٔ ادبیات کاری ناشایست و نابه‌جاست. در دستورهای سنتی آموزشی دستور زبان گاهی از طریق شعر صورت می‌گرفت.

با توجه به معایب دستور سنتی که در بالا ذکر آن رفت، به رویکردهای غالب در زبان‌شناسی توجه می‌کنیم. سه رویکرد اصلی در توصیف زبان عبارت است از: صورت‌گرایی، نقش‌گرایی و شناختی. در رویکرد صورت‌گرایی، زبان خارج از بافت بررسی می‌شود و با توجه به ساختار صوری توصیف می‌شود. رویکرد نقش‌گرایی زبان را در بافت خود تحلیل می‌کند و توجه به معنا دارد. رویکرد شناختی به درک مفاهیم زبان در ذهن می‌پردازد. به عنوان مثال برای درک مفهوم مسافت چه اتفاقی در ذهن می‌افتد.

در آموزش مدرسی برای دستور، دو رویکرد صورت‌گرایی و نقش‌گرایی مناسب‌تر است. سال‌ها این دو رویکرد در مقابل یکدیگر قرار داشتند و هر یک بر اصول خود اصرار می‌کردند؛ اما شواهد نشان می‌دهد که در برخی موارد هر دو رویکرد در توصیف زبان با مشکل مواجه می‌شوند. امروزه بسیاری از زبان‌شناسان معتقدند که برای توصیف زبان نیاز است هر دو رویکرد با هم به کار گرفته شوند. در آموزش دستور در کتاب اول متوسطه، رویکرد صورت‌نقش (تلفیق) مورد توجه بوده است. به عبارت دیگر تمرکز بر آموزش زبان در بافت بوده است؛ اما در صورت نیاز از شکل صوری زبان نیز در آموزش بهره برده شده است.

نکته: نگاهی که در بخش دانش‌های زبانی، در آموزش دستور مطرح می‌شود، باید در ارزشیابی نیز دنبال گردد؛ لذا در طرح سؤال از الگوهای فعالیت نوشتاری کتاب (سؤال‌های دستوری) استفاده شود.

زنجیره مباحث دستوری در فارسی اول متوسطه

می‌خواهیم ببینیم وضعیت دستور در کتاب فارسی اول متوسطه چگونه و بر چه اساسی استوار است؟ در کتاب حاضر، بخش مجزایی به نام دستور وجود ندارد؛ بلکه نکات دستوری در بخشی به نام «نکته‌های زبانی و ادبی» گنجانده شده است؛ بنابراین همه کتاب باید به وسیله یک دبیر تدریس شود تا پیوستگی مطالب دچار اختلال نگردد.

گفتنی است که علاوه بر وجود نظم و سیر خاصی در بیان مطالب دستوری مثال‌های نکات مورد نظر معمولاً از همان درس که حاوی نکته‌های زبانی و ادبی است، استخراج شده و براساس آنها و از طریق استقرا، دانش‌آموزان را متوجه ساخت زبانی مورد نظر خواهد نمود و تلاش بر این است که در این روند آموزشی، دانش‌آموزان از طریق ارائه مثال‌ها، مصداق‌ها و شواهد به کشف قاعده نایل آیند. همچنین در همان قسمت‌های «نکته‌های زبانی و ادبی» و نیز تمرین‌های کتاب فارسی خوانداری و فعالیت‌های نوشتاری از دانش‌آموزان خواسته می‌شود با توجه به قاعده کشف شده، به تولید مصداق و شواهد و مثال‌های جدید بپردازند.

درس اول

در آموزش جمله، ابتدا سه یا چهار دانش‌آموز جلوی کلاس بیایند و با یکدیگر گفت‌وگو کنند. سایر دانش‌آموزان باید به گفت‌وگوهای آنها گوش دهند و در پایان بگویند که این چهار نفر چه پیام‌هایی را به یکدیگر منتقل کردند. هدف این است که دانش‌آموزان بیاموزند، زمانی صحبت می‌کنند که بخواهند پیامی را به مخاطب خود منتقل کنند و برای این کار پیام خود را در قالب جمله بیان می‌کنند. برای درک بهتر این مطلب، در مرحله دوم به چهار دانش‌آموز بگویید هر کدام یک دقیقه فرصت دارند تا پیام‌های خود را منتقل کنند. سپس از سایر دانش‌آموزان بخواهیم قضاوت کنند کدام یک در زمان خود به بهترین شکل بیشترین پیام را بیان کرد. در اینجا هدف این است که دانش‌آموزان روی تک تک جملات خود حساس شوند و بدانند هر جمله امکان انتقال پیامی را برای مخاطب فراهم می‌کند؛ لذا به بهترین شکل باید از آن بهره برد.

نکته: برای ارزشیابی، از طرح سؤالاتی که تعداد جمله را از دانش‌آموز می‌پرسد، پرهیز شود و به جای آن متنی در اختیار دانش‌آموز قرار داده شود و بخواهید پیام تک تک جملات را استخراج کند. منظور از پیام تفسیر متن نیست؛ بلکه اطلاعاتی است که صراحتاً در جمله‌ها بیان شده است.

درس دوم

برای آموزش انواع جمله، چهار دانش آموز جلوی کلاس بیایند. به نفر اول بگوییم وقتی می خواهد درباره تاریخ تولد خود به مخاطبان پیامی بدهد، چه جمله ای می گوید. پاسخ او احتمالاً به این صورت است: «من سال ۱۳۷۹ به دنیا آمده‌ام». از نفر دوم بخواهید درباره زیبایی یک گل پیامی را به مخاطب برساند. از سومین نفر بخواهید در پیام خود یک لیوان آب بخواهد و نفر چهارم درباره دانستن وقت، جمله ای بگوید. به این ترتیب توجه دانش آموزان به انواع جمله جلب می شود. در مرحله دوم از چهار دانش آموز می خواهیم صحبت کنند و سایر دانش آموزان جملات خبری، پرسشی، عاطفی و امری را از سخنان آنها استخراج کنند. چنانکه ملاحظه می کنید، انواع جمله در بافت زبان آموزش داده می شود. به عبارت دیگر دانش آموز متوجه می شود همواره در کلام خود از انواع جمله بهره می برد.

درس سوم

پس از معرفی جمله و انواع آن به معرفی اجزای جمله می پردازیم. هدف از آموزش اجزای جمله این است که دانش آموز بداند جملات چگونه گسترش می یابند و منطق قرار گرفتن اجزای جمله در کنار هم چیست. این کار سبب افزایش درک متن دانش آموزان می شود.

برای معرفی اجزای جمله از نظریه «دستور وابستگی»^۱ پیروی شده است. در دستور وابستگی فعل به عنوان جزء اصلی جمله، در رأس است و با توجه به ظرفیت خود اجزایی را می گیرد و جمله گسترش می یابد. به عنوان نمونه افعالی مانند «آمد و خوابید» یک ظرفیتی اند و با گرفتن یک جزء گسترش می یابند؛ اما فعل خورد دو ظرفیتی است و با گرفتن دو جزء گسترش می یابد.

در درس سوم برای درک اهمیت فعل به عنوان محور اصلی جمله، مثال هایی ارائه شده است که ارزش فعل برجسته می گردد.

درس چهارم

در این درس، افعال یک ظرفیتی (ناگذر یا لازم) معرفی شده اند. برای آموزش اجزای جمله از دانش آموزان بخواهیم جدولی را طراحی کنند. مهم ترین قطعه جدول، فعل بود که در جلسه گذشته با آن آشنا شدند. در آموزش این درس از دانش آموز بخواهیم جدول آنها ظرفیت پذیرش دو خانه را داشته

۱- برای آشنایی بیشتر، مطالعه کتاب «ظرفیت فعل»، تألیف دکتر امید طبیبزاده، نشر مرکز توصیه می شود.

باشد. این کار بسیار اهمیت دارد؛ زیرا اگر دانش‌آموزی بخواهد برای فعل «آمد» به جای «علی آمد» بگوید «علی از تهران آمد» به او می‌گوییم که جدول جمله امروز در کلاس درس، دو خانه‌ای است و باید دو قطعه‌ای که اهمیت بیشتری دارند، در آن قرار گیرد.

درس پنجم

مطابق درس گذشته، جدول جمله در این جلسه سه خانه‌ای است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، افعال گذرا و ناگذرا به طور غیرمستقیم آموزش داده می‌شود؛ بدون اینکه به صورت مجموعه قواعد حفظی ارائه شود. هدف از آموزش افعال گذرا و ناگذرا در اینجا این است که دانش‌آموز منطق گسترش جمله را بداند.

درس ششم

جدول جمله در این جلسه، چهار خانه دارد که با افعال سه ظرفیتی مانند «گرفت» قطعه متمم نیز به جمله اضافه می‌شود.

درس هفتم و هشتم

از آنجایی که دانش‌آموز با افعال اسنادی مواجه می‌شود، لازم است این نوع فعل نیز به او معرفی شود. بار معنایی افعال اسنادی به‌گونه‌ای نیست که به تنهایی بتوانند تعیین‌کننده اجزای جمله باشند به همین سبب، بهتر است در طراحی جدول فعل اسنادی مانند نمونه عمل شود:

سرد است		هوا
است	سرد	هوا

درس نهم

پس از آشنایی ابتدایی با اجزای جمله، مجدداً به مبحث فعل برمی‌گردیم تا محور اصلی جمله را بهتر بشناسیم. ابتدا از دانش‌آموزان بپرسید برای اینکه کسی یا چیزی را بشناسند، چه می‌کنند. در جواب آنها، به این مطلب می‌رسید که لازم است خصوصیات و ویژگی‌های آن شخص یا چیز را بدانند. در ادامه به آنها می‌گوییم، می‌خواهیم فعل را بشناسیم، پس باید ویژگی‌های آن را بدانیم.

اولین ویژگی فعل، «زمان» آن است. برای آموزش آن سه دانش‌آموز جلوی کلاس بیایند. یکی در مورد کارهای دیروز خود صحبت کند، دیگری درباره همان لحظه سخن بگوید و نفر سوم راجع به کارهایی که در آینده می‌خواهد انجام دهد، بگوید. به این ترتیب تمایز زمان‌ها در کاربرد برجسته می‌شود. گفتنی است که در اینجا انواع ماضی و مضارع مورد نظر نیست. در ادامه از یک دانش‌آموز می‌خواهیم چند دقیقه‌ای صحبت کند و سایر دانش‌آموزان جملات حال، گذشته و آینده او را به خاطر بسپارند و در پایان صحبت او، آنها را بگویند.

درس دهم

یکی از ویژگی‌های فعل، «شخص» و «شمار» است. در آموزش شخص، دو دانش‌آموز جلوی کلاس بیایند. ابتدا از دانش‌آموز اول بخواهیم خود را برای مخاطبش معرفی کند و چند جمله بگوید؛ مثلاً «من اهل تبریز هستم.» در این صورت شناسهٔ افعال او اول شخص خواهد بود. در ادامه از دانش‌آموز اول بخواهیم چند جمله دربارهٔ مخاطبش به او بگوید. مثلاً «تو دانش‌آموز مؤدبی هستی.» در این صورت شناسهٔ افعال او دوم شخص خواهد بود. سپس از دانش‌آموز اول بخواهیم در مورد یکی از دوستانش با مخاطبش سخن بگوید. مثلاً «زهره به کتابخانه رفت.» در این صورت شناسهٔ افعال او سوم شخص خواهد بود.

وقتی ویژگی شخص در بافت آموزش داده می‌شود دانش‌آموز درک می‌کند منظور از اول شخص گوینده است که دربارهٔ خود سخن می‌گوید. دوم شخص همان شنونده است و هرگاه بخواهیم دربارهٔ شخصی صحبت کنیم که نه گوینده است و نه شنونده، از شناسهٔ سوم شخص استفاده می‌کنیم. در ادامه می‌توانیم به همین شکل مثال‌هایی را برای شمار (مفرد، جمع) ارائه کنیم. با مثال‌های بیشتر از دانش‌آموزان بخواهیم افعالی که در گفت‌وگوها می‌شنوند، روی کاغذ بنویسند و توجه کنند که ویژگی شخص و شمار، چگونه در شکل ظاهری فعل، پدیدار می‌شوند.

درس یازدهم

ضمیر یکی از ابزارهای زبانی برای انسجام بین گزاره‌های متن است. وقتی خواننده برای یافتن مرجع ضمیر، نیاز دارد، به جمله‌های قبل و بعد خود مراجعه کند، بین اجزای متن ارتباط ایجاد می‌کند. برای آموزش ضمیر از دانش‌آموزی بخواهید که جلوی کلاس بیاید و دربارهٔ دوست خود صحبت کند. او در اولین جمله، اسم دوستش را بیان می‌کند؛ اما به طور طبیعی در ادامه به جای اسم دوستش از

ضمیر «او» استفاده می‌کند. به این ترتیب در کاربرد زبان، ابتدا ضمیر را برجسته کنیم؛ سپس به صورت ساختاری آن را آموزش دهیم. ضمناً در ارزشیابی حتماً پرسش‌هایی طراحی شود که از دانش‌آموز مرجع ضمیر سؤال شده باشد.

درس دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم

در آموزش این سه درس، رویکرد صورت‌گرایی غالب است و بن افعال به لحاظ صوری مورد توجه قرار می‌گیرد.

درس هفدهم

در دروس گذشته به فعل پرداخته شد و دربارهٔ ویژگی‌های آن مطالبی بیان گردید. در آخرین درس کتاب، یک درس دربارهٔ اسم ارائه شده است که به لحاظ ساختاری اسامی را در دو طبقهٔ ساده و غیرساده قرار می‌دهد.

نکته: مبحث اسامی ساده و غیرساده، در این کتاب اصلاح شده است؛ لذا براساس مطالب این درس طبقه‌بندی ساده و غیرساده آموزش داده شود. در سال آینده تقسیم‌بندی غیرساده، ادامهٔ این بحث خواهد بود.

در این مجموعه از کتاب‌ها یک دوره دستور در حد دانش‌آموزان دورهٔ متوسطهٔ یک تدریس می‌شود و سعی بر آن است که آمادگی لازم در آنها، جهت ارتباط با کتاب‌های ادبیات و زبان فارسی مقطع بالاتر به وجود آید.

توضیح این نکته ضروری است که اساس کار بر این است که در هر سال جهت تکمیل مباحث سال‌های پیشین، مطالبی افزوده شود. بنابراین ذکر مباحث دستوری دارای سلسله‌مراتبی خاص است و نکات موجود، مکمل همدیگرند. همچنین موارد ناگفته فراوان است. این روش آگاهانه است و در این خط سیر، توانایی دانش‌آموز مدنظر قرار گرفته شده است. بنابراین از همکاران محترم تقاضا می‌شود از تدریس مطالب خارج از کتاب هر چند سودمند خودداری کنند. کوشش شده است که قواعد دستوری ساده و صریح نوشته شود و از طریق مثال‌ها و جداول، مفاهیم مورد نظر نهادینه گردد. همچنین نگارش مطالب از ساده به پیشرفته صورت گرفته و غالب بخش‌ها به منزلهٔ پیش‌نیازی برای بخش‌های پسین است؛ بنابراین اگر در یادگیری بخش‌های نخست کتاب توجه کافی مبذول گردد، نتیجه در پایان کار مطلوب خواهد بود.

موضوعی که باید بدان توجه داشت، این است که در این دستور، بیشتر جنبه‌های نظریهٔ دستور

وابستگی مدنظر قرار گرفته است؛ اما چون کتاب جنبه آموزشی دارد، گاهی برای تدریس بهتر، می‌توان از دیگر نظریه‌های زبان شناختی نیز استفاده کرد.

در این کتاب سعی بر این بوده است که اشتباهات دستور سنتی همچون تجویزی بودن، انعطاف ناپذیری، ابدیت دستور، تحمیل تحولات خارجی به زبان و ... تکرار نشود. علاوه بر آن تلاش بر این بوده است که دستوری تدوین گردد که مورد توافق دستور نویسندگان و زبان شناسان از هر نحله و مکتبی باشد و از موارد اختلاف برانگیز در مباحث دستوری و زبان شناختی پرهیز شده است.

تکرار این نکته اجتناب ناپذیر است و آن تدریس تمامی موارد موجود در کتاب از جمله دستور به وسیله یک دبیر است. از برنامه ریزان آموزشی، درخواست می‌شود، ساعت‌های تدریس دبیران محترم را طوری تنظیم کنند که تمامی ساعت‌های مربوط به درس زبان و ادبیات فارسی، تنها به یک دبیر اختصاص یابد. موارد و مباحث زبانی موجود در کتاب فارسی اول بدین قرار است :

نکته‌های زبانی

- ۱- معرفی جمله
- ۲- انواع جمله
- ۳- فعل
- ۴- نهاد
- ۵- مفعول
- ۶- متمم
- ۷- فعل اسنادی
- ۸- مسند
- ۹- زمان فعل
- ۱۰- شخص و شمار
- ۱۱- ضمیر
- ۱۲- بن مضارع
- ۱۳- بن ماضی
- ۱۴- آینده
- ۱۵- واژه‌های ساده و غیرساده

همانطور که ملاحظه می‌شود، حدود ۱۵ بخش از ظرفیت ۳۰ گانه بخش «نکته‌های زبانی و ادبی» به مباحث دستوری (نحوی و صرفی) پرداخته است.

همکاران محترم می‌توانند در بخش نکته‌های «زبانی و ادبی» درس‌های چهاردهم و پانزدهم (درس‌های آزاد) نیز به مباحث دستوری بپردازند. ان شاء الله در پایه‌های دوم و سوم مباحث دستوری کامل‌تر و عمیق‌تر و وسیع‌تر طرح خواهد شد.

مباحث دیگر موجود در نکته‌های زبانی و ادبی مربوط به مسائل ادبی است. این نکات عبارت‌اند از:

نکته ادبی

- ۱- شخصیت بخشی
- ۲- تشبیه
- ۳- معرفی ادبیات
- ۴- مراعات نظیر، شبکه معنایی
- ۵- تکرار
- ۶- جابه‌جایی در شعر و نثر
- ۷- تخیل
- ۸- نامه نوشتن
- ۹- قطعه
- ۱۰- خاطره نویسی
- ۱۱- هم خانواده
- ۱۲- توصیف
- ۱۳- نثر ساده و ادبی
- ۱۴- داستان‌های رمزی و نمادین
- ۱۵- ترجمه

در صورت نیاز به طرح نکته‌ای زبانی، ادبی، نگارشی و ... می‌توان آن را در قسمت دانش‌های زبانی و ادبی درس‌های آزاد ذکر کرد.

مفاهیم و موضوعات زبانی و ادبی

- ۱- دستور
 - جمله و ساخت آن
 - گروه اسمی
 - اجزای جمله ۲
 - گروه قیدی
 - انواع جمله
 - دستور تاریخی
 - گروه فعلی
- ۲- نگارش و اثنا
 - یادداشت روزانه
 - زندگی نامه
 - خاطره نویسی
 - گزارش نویسی
 - گفتار و نوشتار
 - نمایش نامه
 - فیلم نامه
 - داستان نویسی
 - بازگردانی شعر به نثر
 - آشنایی با گونه‌های نثر
 - ساختار مقاله و مقاله نویسی
 - توصیف
 - نامه نگاری
 - طنز
 - بهره‌گیری از عنصر جان بخشی در نوشته
 - شرح حال نویسی
 - معرفی زادگاه و اماکن (تک نگاری)

- بازسازی رویدادها
- گزینش بهترین واژه‌ها و به کارگیری در نوشته
- گامی فراتر از ساده نویسی
- مثل و ضرب المثل
- روزنامه دیواری
- خلاصه نویسی
- صمیمیت در نوشته
- فضا سازی
- باز نویسی
- باز آفرینی
- بهره گیری از عنصر تخیل (نوشته خلاق)
- ۳- املا

۴- مطالعه، کتاب خوانی و پژوهش

این موضوع در برنامه‌درسی فارسی زمینه بسیار مناسبی برای گسترش فرهنگ مطالعه، کتاب خوانی و پژوهش است.

۵- دانش ادبی، شامل:

- ۱- قالب‌های شعری مانند: قصیده، مثنوی، قطعه، شعر نیمایی
 - ۲- زیبایی‌های ادبی (نثر و شعر) مانند: تشخیص، تشبیه، سجع، مبالغه و ...
 - ۶- مفاهیم ارزشی
 - ۱- طرح ارزش‌های فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی
 - ۲- طرح ارزش‌های ملی و انقلابی
 - ۳- طرح ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی و اخلاقی
 - ۴- طرح ارزش‌های بومی و منطقه‌ای
- فهرست فعالیت‌ها و تمرین‌های پیشنهادی برای برنامه فارسی اول متوسطه

مهارت‌های گفتن

- ۱- داستان گویی
- ۲- سرودخوانی

- ۳- گفت و گو در کلاس
- ۴- گسترش واژگان
- ۵- چیستان گویی
- ۶- مصاحبه
- ۷- دکلمه
- ۸- توصیف شفاهی تصاویر
- ۹- خاطره گویی
- ۱۰- تعریف کردن داستان
- ۱۱- نقل قول مستقیم
- ۱۲- نقل قول غیر مستقیم
- ۱۳- نقالی
- ۱۴- خطابه و سخنوری
- ۱۵- مسابقه‌های ادبی، مشاعره

مهارت‌های نوشتن

- ۱- عبارتهای تکمیل کردنی
- ۲- گسترده نویسی
- ۳- جدول کلمات
- ۴- واژه سازی با پیشوندها
- ۵- واژه سازی با پسوندها
- ۶- واژه سازی با مشتق‌های فعلی
- ۷- واژه سازی با اسم‌ها و صفات
- ۸- کاربرد نکات املائی
- ۹- کاربرد نکات نگارشی
- ۱۰- کاربرد نکات زبانی
- ۱۱- آموزش خط تحریری
- ۱۲- نگارش مشاهدات و محسوسات در طبیعت

- ۱۳- نوشتن خلاق
- ۱۴- مطابقت فعل و نهاد
- ۱۵- مطابقت فعل و شناسه
- ۱۶- مطابقت اجزای جمله
- ۱۷- جمله سازی
- ۱۸- نوشتن عبارت و بند
- ۱۹- نوشتن در قالب‌های مختلف زبانی و ادبی (نظیر وبلاگ نویسی)
- ۲۰- گزارش پژوهشی

مهارت‌های خواندن

- ۱- کتاب خوانی
- ۲- صامت خوانی
- ۳- خواندن ترکیب‌های وصفی و اضافی

مهارت گوش دادن

- ۱- گوش دادن به نوار صوتی
- ۲- گوش دادن انتقادی
- ۳- مهارت توجه به کانون سخن

مهارت‌های تفکر

- ۱- ساخت جمله‌های فی البداهه
- ۲- حدس زدن پایان داستان
- ۳- مرتب کردن مفاهیم ذهنی و عینی
- ۴- طبقه بندی مفاهیم ذهنی و عینی
- ۵- بیان احساسات و عقاید در کلاس
- ۶- پیدا کردن راه حل مناسب
- ۷- یافتن فکر مرکزی

- ۸- مرتب کردن داستان به هم ریخته
- ۹- تمرین‌های جانشین سازی
- ۱۰- تمرین‌های هم نشین سازی
- ۱۱- پرسش‌های درک مطلب
- ۱۲- درک و یافتن مترادف‌ها
- ۱۳- یافتن متضادها
- ۱۴- یافتن متشابه‌ها
- ۱۵- یافتن هم نویسه‌ها
- ۱۶- یافتن کلمات معنی دار
- ۱۷- تقویت تخیل
- ۱۸- تقویت تفکر انتقادی

مهارت‌های عملی

- ۱- ایفای نقش
- ۲- اجرای دستورالعمل از طریق نوشته
- ۳- نمایش فیلم
- ۴- نمایش خلاق
- ۵- نمایش درس
- ۶- نمایش عروسکی
- ۷- نمایش رادیویی
- ۸- نمایش بی کلام (پانتومیم)
- ۹- نقاشی خلاق
- ۱۰- استفاده از فرهنگ لغات
- ۱۱- خودجایگزینی در داستان
- ۱۲- واژه‌یابی خوشه‌ای (گسترش شبکه‌ی واژگانی)
- ۱۳- بازی واژگانی
- ۱۴- استفاده از لغت نامه در کلاس

- ۱۵- کتاب سازی
- ۱۶- طراحی جدول کلمات
- ۱۷- انجام پژوهش کلاسی

مهارت نقد و تحلیل

- ۱- شناخت دقیق جایگاه واژه در بافت و ارزشیابی واژگان زبان
- ۲- گوش دادن انتقادی برای درک انسجام و پیام
- ۳- نقد و تحلیل شنیده‌ها و خوانده‌ها

روش‌های آموزش و اصول یاددهی - یادگیری در برنامه درسی فارسی

با توجه به رویکردهای برنامه، در انتخاب روش‌ها و شیوه‌های یاددهی یادگیری زبان فارسی باید به اصول زیر توجه کرد :

- تأکید بر فعالیت دانش‌آموزان و محول کردن مسئولیت یادگیری به آنان
- کاهش نقش و افزایش نقش مدیریت و رهبری آنان در فرایند آموزش
- تأکید و توجه به پرورش روحیه نقادی فراگیران
- توجه به کارگروهی دانش‌آموزان
- توجه به تفاوت‌های فردی یادگیری در دانش‌آموزان
- تلفیق آموزش و ارزشیابی
- استفاده بهینه از شرایط در جهت آموزش زبان
- ایجاد فضای نشاط‌آور در کلاس و مدرسه
- تأکید به تسلط فراگیران در فرایند یادگیری و یاددهی .

این برنامه برای آموزش و تقویت مهارت‌های زبانی و ادبی، تفکر، گسترش گنجینه لغات، شناخت بهتر محیط و آداب زندگی و ایجاد ذوق ادبی در دانش‌آموزان روش‌های زیر را مؤثر می‌داند. توضیح اینکه روش‌های زیر جنبه توصیه‌ای و پیشنهادی دارد و مدارس و معلمان و دست‌اندرکاران آموزشی می‌توانند از دیگر روش‌ها و فعالیت‌های مناسب با برنامه نیز استفاده کنند :

- ۱- روش تفکر استقرایی
- ۲- روش روشن سازی طرز تلقی

۳- ایفای نقش، قصه گویی و نمایش خلاق

۴- روش بحث گروهی

۵- روش بدیعه پردازی

۶- روش تدریس اعضای گروه

۷- روش قضاوت عملکرد

۸- روش کارایی گروه

۹- روش حل مسئله و گره گشایی از متن

۱۰- روش پرسش و پاسخ

۱- روش پرسش و پاسخ: همان طور که از نام این روش بر می آید، در این روش معلم پرسش های مناسبی را تهیه و آماده می کند و آنها را به گونه ای در کلاس به کار می گیرد که دانش آموزان به سمت اهداف برنامه و درس هدایت شوند. در این روش معلم می تواند پرسش های فی البداهه نیز جهت تکمیل یادگیری طرح کند. نکته مهم این است که مدیریت و هدایت دانش آموزان و تنظیم زمان برای پاسخ به پرسش باید مورد توجه باشد.

این روش مهارت های گوش دادن، نقد و تحلیل و حافظه شنیداری و قدرت بیان را تقویت می کند و اگر از نتایج بحث ها هم گزارشی تهیه شود، به تقویت چهار مهارت زبانی خواهد انجامید.

۲- روش بحث گروهی: در صورتی که پرسش و پاسخ از حالت دو طرفه بین معلم و دانش آموز یا دانش آموز و دانش آموز درآید و معلم موضوع مشخصی را در کلاس طرح کند تا دانش آموزان درباره آن با هم مشورت و اندیشه کنند، روش بحث گروهی به کار گرفته خواهد شد. این روش از جمله روش های فعال و مشارکتی در آموزش به شمار می رود.

بنابراین دانش آموزان در گروه های مختلف طبقه بندی می شوند و با هدایت معلم به بحث و گفت و گو می پردازند. اهمیت این روش با توجه به ماهیت زبان و ادبیات فارسی زمانی روشن می شود که نمایندگان هر گروه نظر خود را بیان می کنند و ضمن گوش دادن به اظهارات دیگر گروه ها، به نقد و تحلیل نیز تسلط می یابند. گروه بندی مناسب، کنترل زمان، هدایت و رهبری گروه ها، طرح موضوعات مناسب و ... از جمله شرایط اساسی برای به کارگیری این روش است.

۳- ایفای نقش، قصه گویی و نمایش خلاق: در دوره متوسطه یک، به ویژه در کتاب فارسی به خوبی

می توان از نمایش و قصه گویی مناسب با سن نوجوانی استفاده کرد. برخی از دروس به گونه ای سازماندهی شده اند که با هدایت معلم می توان مفاهیم مورد نظر را به صورت عینی و محسوس به نمایش گذاشت.

این روش‌ها اگر با بحث و تبادل نظر و ارزشیابی در کلاس توأم شود، می‌تواند عالی‌ترین اهداف آموزش زبان و ادب فارسی را محقق کند. بخشی از این اهداف عبارت‌اند از: ایجاد برقراری ارتباط انسانی و عاطفی، نظم بخشی به افکار و گفتار، پرورش قوه تفکر، استنتاج، رشد و شکوفایی خلاقیت و استعدادهای زبانی و ادبی.

۴- روش گردش علمی: در این روش معلم برای آشنایی بیشتر دانش‌آموزان با آثار تاریخی و ادبی و زبانی آنها را به بیرون از کلاس می‌برد تا از نزدیک به مشاهده بپردازند.

دانش‌آموزان با توضیح و توصیف پدیده‌ها و شنیده‌های خود به صورت گفتاری و نوشتاری به پرورش و تقویت مهارت‌های زبانی و ادبی خود دست می‌یابند. می‌توان از آنها خواست تا گزارش تهیه کنند؛ یادداشت برداری کنند؛ اطلاعات حاصله را طبقه‌بندی کنند و زیبایی‌های مشاهده شده را وصف کنند یا آنها را به تصویر بکشند تا بدین ترتیب به پاره‌ای از مهارت‌های نگارشی تسلط پیدا کنند.

۵- روش تفکر استقرایی: از آنجا که تفکر پیوندی ناگسستنی با هر کدام از مهارت‌های زبانی و ادبی دارد و در روش استقرایی هم تفکر در یک روند متوالی، از آسان به پیچیده سازماندهی می‌شود، استفاده از این روش می‌تواند یک فرایند یادگیری مؤثری را تا حصول نتیجه در دانش‌آموز ایجاد کند. در جریان تفکر، دانش‌آموزان اطلاعاتی جمع‌آوری می‌کنند و آنها را طبقه‌بندی می‌کنند و به تفسیر و کشف ارتباط بین یافته‌های خود می‌پردازند. از این روش می‌توان در آموزش نکات املائی، انشایی و در دستور زبان استفاده کرد.

۶- روش بدیعه پردازی: با توجه به این که زبان و ادبیات فارسی ماهیتاً با خلق و آفرینش و تولید اندیشه‌های بدیع ارتباطی نزدیک و تنگاتنگ دارد، از این روش می‌توان برای آموزش انشا و نگارش خلاق استفاده کرد. براساس این روش دانش‌آموزان با بحث کردن درباره موضوع انشا، قیاس کردن، بیان احساسات خود و ... به تفکر خلاق و پرورش عواطف دست می‌یابند.

۷- روش حل مسئله: در این روش مسئله‌ای مطرح می‌شود که می‌تواند از گرفتاری قهرمان قصه شروع شود. دانش‌آموزان به توصیف و تبیین مسئله می‌پردازند و راه حل یا راه‌حلهایی برای آن پیدا می‌کنند. پس از بحث و گفت‌وگو، معلم نظرات خود را درباره حل مشکل قهرمان داستان ارائه می‌دهد. دانش‌آموزان به بررسی علت وقوع حوادث در قصه‌ها می‌پردازند و ارتباط علت و معلولی وقایع را کشف می‌کنند؛ ایده‌ها و نظرات مختلف را با یکدیگر مربوط و مقایسه می‌کنند و یا نتایج داستان‌ها را پیشگویی می‌کنند. مطالب ذکر شده می‌تواند در دو گونه بیانی یعنی گفتاری و نوشتاری مطرح شود. در دوره متوسطه می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا درباره شنیده‌ها و یا خواننده‌های خود

به قضاوت و داوری بپردازند.

۸- روش واحد کار: از این روش می‌توان برای آموزش انشا و فعالیت‌های خارج از کلاس استفاده کرد. بدین ترتیب که دانش‌آموزان براساس موضوعات تعیین شده به صورت گروهی یا فردی به دنبال جمع‌آوری اطلاعات در خارج از کلاس می‌روند و گزارشی تهیه می‌کنند، سپس این گزارش را در کلاس عرضه می‌کنند. موضوعاتی از قبیل سرگذشت شاعران، نویسندگان، شخصیت‌های علمی، اجتماعی و مذهبی، می‌تواند برای استفاده از این روش مدنظر باشد. این روش می‌تواند برای تقویت حس پژوهش و تقویت مهارت‌های جست‌وجوگری مؤثر باشد.

۹- روش کارایی گروه: دانش‌آموزان را به گروه‌هایی تقسیم می‌کنند و هر یک از اعضای گروه تکلیف مشخص شده را به طور انفرادی می‌خواند، بعد به سؤال‌های آزمون که در اختیار او قرار می‌دهند، پاسخ می‌دهد، سپس در گروه نیز درباره پاسخ‌های خود گفت و گو می‌کنند و دلایل انتخاب یا رد آن را ارزیابی می‌کنند. در مرحله بعد، کلید سؤال‌ها در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گیرد و اعضای گروه درک عمیقی از بهترین پاسخ به دست می‌آورند. بعد از آن اعضای گروه پاسخ‌های فردی و گروهی را نمره‌گذاری و نمره مؤثر بودن یادگیری را محاسبه می‌کنند. از این روش در کلاس‌های فارسی و در تدریس حوزه‌های مختلف از قبیل متن درس‌ها، انجام تمرین‌ها، املا و انشا، دستور و آرایه‌ها می‌توان بهره گرفت.

۱۰- روش تدریس اعضای تیم: این طرح، این امکان را می‌دهد که مقدار زیادی از موضوع درسی طی یک دوره زمانی کوتاه با مطالعه گروه، تحت پوشش قرار گیرد. در انتخاب متن مورد تدریس باید در نظر داشت که متن به بخش‌های مستقل از یکدیگر قابل تقسیم باشد. بخش‌ها نیز از نظر طول و دشواری تقریباً برابر باشند. دانش‌آموز یک بخش موضوع تعیین شده را مطالعه می‌کند، سپس با هم‌تاهای خود که مسئول بخش مشترکی هستند، دور هم جمع می‌شوند و برای رفع اشکال‌های خود تبادل نظر می‌کنند. آنها دوباره به گروه خود برمی‌گردند و به ترتیب از اول بخش تا آخر بخش را به نوبت تدریس می‌کنند.

۱۱- روش قضاوت عملکرد: در این طرح کسب درک روشنی از معیارها، آنان را قادر می‌سازد تا درباره کیفیت کار خویش قضاوت کنند. در این صورت می‌توانند تا حدودی از ارزیابی کارشناسان توسط دیگران بی‌نیاز شوند. سپس هر شخص کار خویش را ارائه می‌دهد. اعضای گروه، کار هر فرد را با دیگری و با معیارهایی که فراگرفته‌اند، مقایسه می‌کنند. هر فرد، انتقادهایی را که به کارش شده است، دریافت می‌کند؛ مثلاً معلم از دانش‌آموزان می‌خواهد تا ویژگی‌های یک شعر خوب را بیان و جمع‌بندی کنند. پس از بیان نظرات مختلف توسط گروه‌ها، معلم معیارهای علمی را ارائه می‌دهد و بدین ترتیب آنها

عملکرد خود را مورد تجدیدنظر و ارزیابی قرار می‌دهند.

۱۲- روش روشن سازی طرز تلقی : اولین مرحله در روشن سازی طرز تلقی، به فراگیران کمک می‌کند تا آنان با پاسخ دادن به یک سؤال و یا تکمیل یک جمله، طرز تلقی خود را ارزیابی کنند؛ سپس فراگیران دور هم جمع می‌شوند تا این طرز تلقی را بررسی کنند و به کمک شرایط شناخته شده و اطلاعاتی که در اختیار دارند روی بهترین طرز تلقی به توافق برسند، سپس هر فرد پاسخ خود را ارائه می‌دهد تا ارزیابی شود. طرز تلقی افراد پس از بحث نیز ارزیابی می‌شود تا مشخص شود که آیا تغییری رخ داده است یا خیر. این روش فراگیران را قادر می‌سازد که کشف کنند: «آیا طرز تلقی آنها بر یک پایه محکم از حقایق، اطلاعات و منطق استوار است؟»

روش‌های متنوع خواندن

با توجه به اینکه هدف این برنامه تقویت و پرورش مهارت‌های زبانی و ادبی است، پیشنهاد می‌شود در به کارگیری روش‌های یاددهی یادگیری به روش‌های خواندن نیز توجه شود. الف) روش بلندخوانی، ب) روش صامت خوانی: ۱- دقیق خوانی ۲- خواندن تجسمی ۳- خواندن انتقادی ۴- خواندن التذادی ۵- خواندن مروری (کل خوانی)

الف) روش بلندخوانی : بلندخوانی در شروع خواندن روشی مؤثر است؛ زیرا در آن از دو فرایند ادراکی یعنی تمیز شنیداری و تمیز بصری استفاده می‌شود، اما در دوره متوسطه با توجه به آموزش‌های دوره ابتدایی و ویژگی‌های شناختی دانش‌آموزان بهتر است از شیوه‌های مختلف صامت خوانی استفاده شود. این روش برای تندخوانی و مطالعه صحیح مفید است.

ب) روش صامت خوانی: روش‌هایی که در زیر می‌آید، بیشتر مبتنی بر صامت خوانی اند:

۱- دقیق خوانی: در این نوع خواندن دانش‌آموز به درک کامل متن خواندنی و نگهداری آن به طور منظم در حافظه می‌رسد. او به افکار اصلی نویسنده پی می‌برد، به ارتباط بین مطالب می‌پردازد؛ خلاصه متن را بیان می‌کند و از آن نتیجه‌گیری می‌کند. معلم برای سنجش این نوع خواندن صامت می‌تواند از متن سؤالاتی کند که مفاهیم متن را مورد سنجش قرار دهد.

۲- خواندن تجسمی: هدف از این نوع خواندن درک عمیق‌تر، تحریک حس کنجکاوی و مشارکت فعالانه در مطالعه است. برای رسیدن به اهداف مذکور لازم است قبل از مطالعه سؤالاتی از متن انتخاب شود تا از این طریق ذهن دانش‌آموز هنگام مطالعه به سمت یافتن پاسخ‌ها هدایت شود.

۳- خواندن انتقادی: در این روش دانش‌آموزان متن درس را مطالعه می‌کنند، سپس درباره

ویژگی‌های متن و نوع نوشته و سبک نویسنده یا شاعر و قالب درس بحث و گفت‌وگو می‌کنند و در پایان نظر نهایی خود را نسبت به متن خوانده شده ارائه می‌دهند.

در این روش دانش‌آموز به تجزیه و تحلیل مطالب، ارزش‌گذاری و قضاوت مطالب و برقراری ارتباط بین جوانب مختلف مطالب می‌پردازد.

۴- خواندن التذازی: خواندن برای درک زیبایی‌ها، روش مؤثری برای پرورش حس زیبایی

شناسی و تقویت ذوق ادبی است. بهتر است دانش‌آموز بیشتر به دنبال یافتن زیبایی‌های موجود در نثر و شعر باشد؛ مانند یافتن تشبیهات، ضرب‌المثل‌ها، وزن و قافیه، موسیقی موجود در شعر و ...

با توجه به این که یکی از اهداف آموزش زبان و ادبیات فارسی تلطیف عواطف و التذاذ ادبی است، در متون هنری و ادبی مانند اشعار برتر و متن‌های تأثیرگذار داستانی و ادبی به این نوع خواندن تأکید می‌شود. معلم می‌تواند به تناسب سرفصل‌ها و عناوین دروس قطعات زیبایی از نظم و نثر را انتخاب و در کلاس با لحن و آهنگی مناسب قرائت کند. در این نوع خواندن باید متونی ارائه شود که با آن التذاذ و پرورش ذوق ادبی عملی شود.

۵- خواندن مروری (کل خوانی): در این شیوه، خواننده با اندکی تورق برای به دست آوردن

اطلاعات مهم و مرور سریع نوشته‌ها در کمترین زمان، عناوین اصلی و واژگان کلیدی را از نظر می‌گذراند تا با ساختار کلی اثر آشنا شود.

تفاوت خواندن با روخوانی

روخوانی همان بیان کلمات از روی نوشته است که در آن هیچ ارتباطی بین کلمات و درک و دریافت وجود ندارد؛ یعنی فرد آنچه را آموخته، تنها به زبان می‌آورد. در حالی که خواندن علاوه بر بیان نوشته‌ها که به درک و فهم خواننده می‌انجامد، منجر به برانگیخته شدن احساسات مخاطب نیز می‌شود، به طور کلی در روخوانی فرد فقط می‌خواند و مخاطب فقط می‌شنود؛ اما در خواندن، خواننده متن را با توجه به موضوع و محتوای آن به گونه‌ای می‌خواند که مخاطب علاوه بر شنیدن، درک می‌کند و تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

عمل خواندن از سه فعالیت عمده و اساسی تشکیل می‌شود. اولین فعالیت فرد در امر خواندن، دیدن کلمات و فعالیت دوم، تشخیص و تلفظ کلمات است. سومین عمل، درک معنی مطالب خوانده شده است.

دیدن نماد بصری و خطی تشخیص و خوانش دریافت معنی

این سه نوع فعالیت به یکدیگر وابسته‌اند و مکمل هم هستند، ولی معمولاً آنها را در تعلیم خواندن، برای سهولت بیشتر و بالا بردن کارایی و همچنین برای کمک به تکمیل هر سه نوع فعالیت، از یکدیگر مجزا می‌کنند و به صورت مهارت‌های مشخص و جدا از یکدیگر مورد توجه قرار می‌دهند.

گوش دادن (دریافتی / ادراکی) سواد شنیداری

در ابتدا باید دانست که شنیدن با مهارت گوش دادن تفاوت‌های زیادی دارد؛ زیرا در شنیدن فرد به طور ناخواسته جمله‌ها را می‌شنود و هیچ‌گونه توجهی به آنها ندارد؛ در حالی که در گوش دادن، انسان به طور ارادی و با دقت به سخنان گوینده توجه کرده، سعی دارد آنها را درک کند و به آنچه می‌شنود، اهمیت دهد.

برای تقویت مهارت گوش دادن باید به نکات زیر توجه کرد :

- ۱- دقت و تمرکز در شنیده‌ها
- ۲- درک گفته‌های دیگران
- ۳- درک پیام اصلی متن
- ۴- دقت در لحن‌ها و تکیه‌های سخن دیگران (زیر و بمی و کشش‌های آوایی)
- ۵- توانایی تحمل سخن دیگران
- ۶- شناخت موسیقی کلمات برای ایجاد مکث‌ها و درنگ‌ها

گوش دادن از این رو که ذهن و زبان شنونده را فربه و فراخ دامن می‌سازد و توانایی درک و دریافت او را می‌پرورد، مهارتی ادراکی است. توانایی فرد در گوش دادن دقیق و منظم به سخنان گوینده، مهارتی است که می‌توان از آن برای انتقال افکار و عقاید استفاده کرد. دقت و تمرکز حواس، دو عمل ضروری در گوش دادن است که آن را از «شنیدن» متمایز می‌گرداند. در حقیقت دو گوش انسان، دو درگاه و آستانه دریافت و پذیرش سخنان و نواهای پیرامونی است و چونان بستر دو رود هستند که به دریای ذهن و زبان آدمی مدد می‌رسانند و آن را زنده، زایا و گوارا و پرمایه نگه می‌دارند و بر شکوفایی و گسترش دامنه فکر و خیال می‌افزایند. بدان سان که «مولانا» در دفتر ششم مثنوی معنوی فرموده است :

فکر شیرین مرد را فربه کند	تا خیال و فکر خوش بر وی زند
آدمی فربه ز عز است و شرف	جانور فربه شود لیک از علف
جانور فربه شود از حلق و نوش	آدمی فربه شود از راه گوش

(مولوی، ۱۳۷۶ : بیت ۲۸۹ تا ۲۹۱)

البته همین معنا را پیش از این، عارف بزرگ، هجویری (۱۳۷۱: ۴۱۵) در «کشف المحجوب» آورده و از پنج حس به نام پنج در علوم، یاد کرده است:

«کلیت علوم را حصول، ازین پنج در بود: یکی دیدن و دیگر شنیدن، سوم چشیدن، چهارم بویدن، پنجم بسودن، و این پنج حواس، سپاه سالاران علم و عقل اند».

بنابراین برای مهندسی ساختمان زبان آموزی، گام‌های زیر را باید پیمود:

گام نخست: تربیت سواد دیداری (چشم)

گام دوم: تربیت سواد شنیداری (گوش)

گام سوم: پرورش و تربیت سواد پساوایی (وحس‌های دیگر)

گام چهارم: پرورش تخیل و تفکر (ذهن)

گام پنجم: تربیت پرسشگری و کنجکاوی (هوش)

گام ششم: پرورش چه، چگونه و چه هنگام سخن گفتن (زبان)

با گسترش بهنای این دریچه‌ها و فریه سازی فراخنای ذهن و زبان، دنیای فریبای ادبیات رخ می‌نماید.

لحن‌های زبان فارسی

لحن یعنی آواز خوش و موزون، نوا، کشیدن صدا یا اجتماع حالت‌های صداهاى مختلف. (دهخدا)، لحن، نحوه خواندن و بیان کردن جملات است با توجه به شرایط موجود و فضای حاکم بر جمله و کل متن. باید دانست که هنگام ادا کردن متن و به لفظ درآوردن آن، نه تنها هر متن، لحن خاص خود را اعم از طنز یا جد می‌طلبد، بلکه هر بند (پاراگراف) و هر جمله نیز به تنهایی لحن خود را دارد و ممکن است در هر بند انواع و اقسام لحن‌ها و حالات به کار گرفته شود و در کنار این موارد در هر جمله، هر کلمه نیز می‌تواند شکل و آوای خاص خود را داشته باشد. به عنوان مثال در شعرها، قافیه‌ها و ردیف‌ها در انواع مختلف، آواهای متفاوت و تلفظ‌های گوناگون را می‌طلبد و یا ممکن است تأکید شاعر یا نویسنده در هر جمله کوتاه روی کلمه‌ای خاص باشد که با رعایت لحن کامل و علائم نگارشی و احوال نویسنده شکل خاصی به خود می‌گیرد.

انواع لحن و آهنگ‌های کلی زبان فارسی را می‌توان عبارت از موارد زیر دانست:

لحن ستایشی

ستایش مخصوص خداوند است و شاعر یا نویسنده در آن خداوند را به خاطر آفرینش بی‌همتا، قدرت بی‌ظنیر و الطاف فراوانش می‌ستاید. در این هنگام خواننده نیز باید خود را موجودی از آفریده‌های

او بداند که تسلیم او و شاکر بخشش‌ها و آفرینش اوست، مانند مثال‌های زیر :

آفرین جان آفرین پاک را آن که جان بخشید و ایمان خاک را
آسمان چون خیمه‌ای بر پای کرد بی‌ستون کرد و زمینش جای کرد

(عطار، ۱۳۷۷ : ۱)

لحن مدح

مدح، نوشته‌ای درباره‌ی انسان است که شاعر از طریق آن، با کوچک‌تر دانستن خود در مقابل ممدوح به بیان مطالبی می‌پردازد. مدح‌ها نیز به پیروی از ستایش‌ها شکل گرفته‌اند و در آنها همان حالات باید رعایت شود؛ اما با ستایش اختلاف دارد، زیرا در ستایش شاعر یا نویسنده آزاده‌تر می‌تواند حرف خود را بزند اما در مدح‌ها، به ویژه مدح حاکمان، این کار امکان‌پذیر نیست. مدح را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد :

الف) مدح بزرگان دینی و مذهبی چون پیامبر (ص) و امامان (ع) که در آن شاعر خود را از مریدان آنها می‌داند و زندگی‌اش را وابسته به وجود و اعتقاد به آنها می‌داند تا جایی که حاضر است جان فدایشان کند. گفته‌های آنان را بسیار با اهمیت می‌داند، در این مورد شاعر ممدوح را فردی فراانسانی می‌داند و چهره و قامتش را در دنیا زیباترین می‌پندارد، کارها و اعمالش را نیز کارهایی خارق‌العاده می‌شمارد و به بیان معجزات و کرامات او می‌پردازد :

محمد کافرینش هست خاکش هزاران آفرین بر جان پاکش
چراغ افروز چشم اهل بینش طراز کارگاه آفرینش
سر و سرهنگ میدان بلا را سپهسالار و سرخیل انبیا را
ریاحین بخش باد صبحگاهی کلید مخزن گنج الهی

(نظامی، ۱۳۸۲ : ۱۲۹)

علی آن شیرخدا، شاه عرب الفتی داشته با این دل شب
شب ز اسرار علی آگاه است دل شب محرم سر الله است
فجر تا سینه‌آفاق شکافت چشم بیدار علی خفته نیافت
ناشناسی که به تاریکی شب می‌برد شام یتیمان عرب
عشق بازی که هم آغوش خطر خفت در خواب‌گه پیغمبر

شهریار

لحن روایی

به طور کلی به هنگام خواندن حکایات باید :

- ۱- موضوع و محتوا و فضای کلی متن را در نظر گرفت و لحن خاصی را برگزید.
- ۲- آن را شبیه تعریف کردن یک واقعه یا حادثه پند آموز یا طنز خواند.
- ۳- سجعها را رعایت کرد و تأکید جملات را روی آنها گذاشت.
- ۴- اشعار داخل حکایات را با لحنی مناسب آن خواند.
- ۵- علائم نگارشی را دقیق رعایت کرد تا تأثیر کلام بیشتر شود.
- ۶- چون فردی که از قضیه آگاه است، با آرامش و اطمینان آن را خواند.
- ۷- با سکونها و سکوتها بر تأثیر کلام افزود.
- ۸- به گونه‌ای خواند که شنونده مشتاق و منتظر شنیدن بقیه ماجرا باشد.
- ۹- سرعت خواندن حکایات کمتر از دیگر نوشته‌ها باشد.
- ۱۰- نگاه خواننده در حین خواندن به فهم مخاطبان یاری رساند.
- ۱۱- در میان لحن روایی به تغییرهای مناسب آهنگ به تناسب شخصیت‌ها توجه کرد.
- ۱۲- با رعایت دقیق فراز و فرودهای آوایی در لحن روایی متناسب با جریان داستان، حالت کشش و انتظار را در شنونده برانگیزانیم و با ایجاد گسست‌های آوایی و وصل و درنگ‌های مناسب، او را به گوش دادن ترغیب کنیم.

لحن تعلیمی (اندرزی)

این لحن که به لحن اندرزی نیز موسوم است، تلاش می‌کند با گویشی آرام و آهسته، در دل شنونده نفوذ کند و نکات مهم خوب زیستن را به مخاطب خود القا کند. در ایران این گونه نوشته بیشتر برای پند و اندرز به کار می‌رود. نویسنده این گونه متون، خود را به جای انسانی آگاه می‌گذارد و از زبان او که بیشتر شبیه پدران یا معلمان دلسوز است، با مخاطب خود سخن می‌گوید، به همین دلیل لحن متن‌های تعلیمی، لحنی پدرا نه است و خواننده آن نیز باید هنگام خواندن، خود را پدر یا معلمی فرض کند که می‌خواهد نکاتی را به فرزندان یا دانش‌آموزانش بگوید. در این گونه اشعار نیز ممکن است با لحن‌های گوناگون مواجه شویم. به این اشعار توجه کنید :

ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده! افتادگی کن چو خاک
حریص و جهان سوز و سرکش مباش ز خاک آفریدنت، آتش مباش

(سعدی، ۱۳۷۶ : ۱۸۹)

این ابیات لحنی واعظانه و اندکی حالت تحکمی دارد؛ یعنی انسانی روحانی خطاب به دیگران، آنها را با جملات امری به پرهیز از کارهای زشت (نهی از منکر) و انجام کارهای نیک (امر به معروف) سفارش می‌کند. در این گونه اشعار، لحن گوینده بسیار محکم و کوبنده است و خواننده چنان با شور و حرارت سخن می‌گوید که گویا از عاقبت انسان خطاکار کاملاً آگاه است و دلش به حال او می‌سوزد.

لحن مناجات

مناجات به معنی راز و نیاز گفتن و نیایش با خداوند است. انسان در این زمان خود را بسیار کوچک فرض کرده، آنچه را که در حضور دیگران نمی‌تواند بیان کند، با آه و زاری یا شکر و سپاس بیان می‌کند. در این گونه از اشعار، شاعر چیزهایی معنوی از خدای خود طلب می‌کند و از او می‌خواهد که عاقبت به خیرش کند. لحن مناجات آکنده از عاطفه و احساس و بیانگر حالت فروتنی و خاکساری و تواضع بنده است.

خداوندگارا نظر کن به جود	که جرم آمد از بندگان در وجود
گناه آید از بنده خاکسار	به امید عفو خداوندگار
کریم! به رزق تو پرورده‌ایم	به انعام و لطف تو خو کرده‌ایم
گدا چون کرم بیند و لطف و ناز	نگردد ز دنبال بخشنده باز
چو ما را به دنیا تو کردی عزیز	به عقبی همین چشم داریم نیز
عزیزی و خواری تو بخشی و بس	عزیز تو خواری نبیند ز کس
خدایا به عزت که خواریم مکن	به ذل گنه شرمسارم مکن

(بوستان سعدی، ۱۳۸۲: ۱۹۳)

هنگام خواندن نیایش‌ها و مناجات باید :

- ۱- حس و حال عمومی حاکم بر فضای نیایش، حفظ شود.
- ۲- حالت خشوع و خضوع در آهنگ کلام رعایت گردد.
- ۳- لحن ملایم و متین که بیانگر ادب در پیشگاه خدای رحمان است، حفظ گردد.
- ۴- به کشش‌ها و زیر و بمی حروف و صداها برای تأثیرگذاری بیشتر توجه گردد.

لحن توصیفی

توصیف یعنی وصف کردن و بیان جزئیات و ویژگی‌ها یا آوردن صفات و قیده‌های حالت پیاپی

برای چیزهایی که قرار است برای شنونده بازگو کنیم. این صفت‌ها می‌توانند یا به ظاهر افراد و اشیا
بپردازند یا به حالات مختلف رفتاری یا حرکات او مانند :

دیدمش خرم و خندان، قدح باده به دست و اندر آن آینه صد گونه تماشا می‌کرد

(حافظ، ۱۳۸۲: ۱۹۳)

در توصیف، نویسنده چیزی را که می‌بیند، با شور و حال فراوان و با استفاده از آرایه‌هایی چون
تشبیه و تشخیص به زبان می‌آورد. در تشبیه، نویسنده با تخیل خود می‌کوشد میان چند چیز شباهتی
ایجاد کند و با این کار شنونده را به شگفتی وادارد؛ مثلاً در بیت‌های زیر منوچهری دامغانی با تشبیه
کردن قطره باران به اشک عروس و تشبیه برگ گل به صورت او، هنر خود را به نمایش گذاشته است :
آن قطره باران که برافتد به گل سرخ چون اشک عروسی است برافزاده به رخسار
روش دیگر شاعران و نویسندگان در توصیف کردن، استفاده از جان بخشیدن به اشیا (تشخیص)
است. در این هنگام نویسنده همه چیز را زنده و مانند انسان می‌بیند و کارها، گفته‌ها و حرکات یا
اعضای انسانی به آنها می‌بخشد.

شعر زیر از ملک الشعرای بهار سرشار از جان بخشی به کوه دماوند است :

ای دیو سپید پای دریند	ای گنبد گیتی ای دماوند
از سیم به سر یکی کله خود	ز آهن به میان یکی کمریند
تا چشم بشر نبیندت روی	بنهفته به ابر چهر دل بند
چون گشت زمین ز جور گردون	سرد و سیه و خموش و آوند
بنواخت ز خشم بر فلک مشت	آن مشت تویی، تو، ای دماوند
نی، نی، تونه مشت روزگاری	ای کوه نی‌ام ز گفته خرسند
تو قلب فسرده زمینی	از درد ورم نموده یک چند

توصیف معمولاً برای انسان‌ها، اشیا، طبیعت و عناصر آن چون درخت و سبزه و گل، دریا و
کوه و جنگل است :

در خواندن چنین متن‌هایی باید به نکات زیر توجه داشت :

۱- لحن توصیف می‌تواند در کنار دیگر لحن‌ها کامل شود؛ یعنی توصیف چیزی مثبت یا باشکوه

با توصیف زشتی‌ها و پلیدی‌ها متفاوت است.

۲- در لحن توصیفی آهنگ کلام، معمولاً نرم است و آرامش خاصی دارد.

۳- هنگام خواندن، دقت نظر و عنصر تخیل، نقشی مهم دارند.

۴- این لحن از نظر فضای کلی آهنگ سخن، به لحن روایی نزدیک است.

(برای آشنایی بیشتر با موضوع لحن در زبان فارسی به کتاب مبانی خواندن در زبان فارسی

مراجعه شود).

عوامل مورد توجه در یادگیری

یادگیری تغییرات نسبتاً ثابت و پایداری در رفتار بالقوه فرد در اثر تجربه است.

عواملی که باید در یادگیری بدان توجه کرد :

۱- آمادگی از نظر جسمی، عاطفی و عقلی

۲- انگیزه و هدف: انگیزه از لحاظ تأثیرش همیشه به هدفی متوجه است. نیمی از وظایف معلم

ایجاد رغبت در دانش‌آموزان است و هدف به فعالیت انسان جهت و نیرو می‌دهد.

۳- تجارب گذشته: یک فرد زمانی می‌تواند مفاهیم و مسائل جدید را درک کند که مفهوم و

مسئله جدید با ساخت شناختی او مرتبط باشد.

۴- موقعیت و محیط یادگیری: امکانات محیط آموزشی، اعم از نیروی انسانی و تجهیزات،

وضع اجتماعی و اقتصادی خانواده، نگرش والدین و مریمان نسبت به تحصیل و آموزشگاه و عوامل

محیطی دیگر بر کیفیت و کمیت یادگیری دانش‌آموزان مؤثر است.

۵- روش تدریس معلم: روش تدریس معلم و نگرش او می‌تواند در فرایند فعالیت‌های آموزش

و در نهایت بر روند یادگیری تأثیر گذارد. اگر معلم به نظریه‌ها و اصول یادگیری آشنا نباشد و تدریس

را فقط انتقال واقعیت‌های علمی بداند و تجارب یادگیری را منحصر به حفظ کردن مطالب نوشته در

کتاب تصور کند، مسلم است در تقویت کنجکاوی و پرورش استعداد و تفکر علمی دانش‌آموزان چندان

موفقیتی به دست نمی‌آورد.

۶- رابطه کل و جزء: مطالعه جزئیات بدون در نظر گرفتن رابطه آنها با هم و همچنین رابطه آنها

با کل موجب پیرشانی فکر می‌شود.